

CARPET PLUS

ماهنامه اینترنتی فرش دستباف

Iranian Visual carpet Magazine

"کارپت پلاس" / شماره ۸- بهار ۱۳۹۹

خانم حصل خانجانی

مدرس، تولیدکننده و بافنده فرش ترکمن



CARPET PLUS



ماهنامه اینترنتی فرش دستباف

Iranian Visual carpet Magazine

- [۳] صفحه نخست | مهدیار پیرزاده
- [۵] سرمقاله | مریم طاهری
- [۸] تار | استاد مهدی مهدی نئی
- [۹] پود | مرحوم نیاز محمد نیازی
- [۱۰] معرفی | مریم مقیسه - هنرمند صنایع دستی
- [۲۰] گفتگو | حاصل خانجانی
- [۳۶] یاد واره فردوسی
- [۴۵] آموزش طراحی
- [۵۰] مقاله | قالی ترکمن

www.thecarpetplus.ir | thecarpetplus

کارپت پلاس

مجله اینترنتی فرش دستباف ایران
سال دوم / اردی بهشت ۹۹ / شماره ۸

سردبیر: مریم طاهری تفرشی
دبیر تحریریه/مدیر هنری: مهدیار پیرزاده
مدیر اجرایی: فرزانه مرادی
تحریریه: گروه نویسندگان
طراحی: آتلیه گروه سینج
سازمان تبلیغات و آگهی‌ها: ۰۹۱۲۶۹۳۵۲۹۱

این مجله رایگان است و رایگان خواهد ماند.

لازمه‌ی استفاده از مطالب و تصاویر این نسخه، به هر شکل و ترتیبی منوط به اخذ مجوز از "کارپت پلاس" است و نقض آن پیگرد قانونی دارد.

همچنین هرگونه بارگذاری محتوایی این مجله بر روی اپلیکیشن‌های موبایل و فروش پی‌دی‌اف این مجموعه ممنوع است.



بر گونه زنی گذاشته و انگشت بر طره اش می کشد و تا لاله ی گوشش پایین می رود و با خود می گویند چه نسل احمقی بوده اند آنها! مردم صد سال آینده، مردم صد سال گذشته را مسخره می کنند بابت دست دادن هاشان، نوازش کردن ها و بوسیدن هاشان. عادت است دیگر، مرگ تدریجی روح است گاهی مثل همین الان ما که به خیلی چیزها عادت کرده ایم و خود نمی دانیم.

از میان همه ی مردمان صد سال آینده، افراد کم شماری را خواهی دید که صورتشان با

صد سال بعد، بسیاری از مردم جهان هنگام حرف زدن مدام سرفه های ریز می کنند و انگار همه چیز طبیعی است چیزی شبیه همین پلک زدن های امروز من و تو. آواز خوان ها در گامهای بالا نیز به تحریرشان سرفه اضافه خواهند کرد و شنوندگان جیغ و هورا ی بیشتری خواهند کشید. صد سال دیگر چیزی بنام اثر انگشت وجود نخواهد داشت از بس دستها با شوینده هایی بی رحم ساییده شده. صد سال دیگر چیزی بنام لامسه وجود نخواهد داشت. بچه ها عکسهای گذشته را می بینند که مردی دست





دیگران فرق دارد و دیگران گاهی طردشان می کنند. دو سمت بینی آنها تا پایین چانه خطی کبود است و گاهی بالای ابروهایشان هم دیده می شود. آنها بیشتر شبها کابوس می بینند و گریه می کنند. خواب می بینند که دلشان آغوشی می خواسته که نتوانسته اند به آن پیوندند!

خواب می بینند که روی انگشت های سبابه شان خطوط مواجی است که دوست دارد زیر چانه ی دلبری را بگیرد و نمی تواند... آنها فرزندان چند نسل بعد پرستارانی هستند که در کبودی ماسک های عصر کرونا، تمام آرزوهایشان را به گور بردند...



امروز صد سال قبل صدسال آینده است و تو هنوز می توانی به انگشت هایت نگاه کنی و لحظه شماری کنی برای تنگ در آغوش کشیدن ها. تو می توانی هنوز حتی یک نفره بخشی از نجات حس لامسه ی



بشر باشی و گر نه روزی خواهد رسید که در هیچ فرهنگی نخواهی خواند
" نوازش می توانست موی بی جان زنی را زنده کند"
" نوازش می توانست با لمس یال آشفته ی اسبی، او را به پرواز در آورد..."
و تو هنوز می توانی
اگر درخانه بمانی
و
برای دست هایت هرروز یک نقشه ی تازه بکشی

مهدیار پیرزاده





این هشتمین شماره "کارپت پلاس" است که
مقابل دیدگان شما پهن می شود.
تار و پود و رج به رج این مجله با شما و برای
شما شکل می گیرد.

ما را از نظریات ارزشمندتان بی نصیب نگذارید.

همچنین بخش بازرگانی " کارپت پلاس " آماده
پذیرش آگهی های تجاری و تبلیغاتی شما خواهد
بود. به زودی طرح های توسعه ی تجاری و
مارکتینگ کارپت پلاس از طریق مجله، شبکه
های اجتماعی و وبسایت مجموعه به اطلاع شما
عزیزان خواهد رسید.

ای دل تو به ادراک معانی نرسی
در نکته ی زیرکان دانا نرسی

اینجا به می و جام بهشتی میساز
کانجا که بهشت است رسی یا نرسی!

خیام نیشابوری



حوالی اردیبهشت بوی بهشت می آید عطر شکوفه ها و خاک باران خورده، اردیبهشت ماه مهربانی است و باران که می بارد زندگی را شاد می کند. اردیبهشت ماه زیبایی هاست از آسمش پیداست ماه بهشت است گرچه امسال متاسفانه در این ماه زیبا هنوز درگیر ویروس کرونا هستیم و در قرنطینه نسبی بسر می بریم و مسافرت ها و دور همی هایمان بسیار اندک است اما اردیبهشت کار خودش را می کند دلننگ هر چه که باشیم پشت پرچین اردیبهشت منتظر می مانیم و می توانیم این روزها را با بوی اردیبهشت و شمعدانی ها سپری کنیم حتی اگر کوتاه و اندک به دشت لاله ها سفر کنی همان کافی است که یادت بماند بهشت کجاست

در این ماه زیبا دو شاعر بزرگ در خطه خراسان متولد شدند که سرآمد جهانیان کردند. ۲۵ اردیبهشت روز فردوسی و شاهنامه زیبایی که به زبان پارسی سروده و در این شاهنامه بزرگ که حدود ۳۰ سال طول کشیده است و بیش از ۶۰ هزار بیت دارد حتی یک کلمه غیر پارسی استفاده نشده است. (که در این شماره به تفصیل به آن پرداخته ایم) و اردیبهشتی دیگر ایران، حکیم عمر خیام نیشابوری است که سرآمد تمامی فیلسوفان شناخته شده است. خیام نیشابوری، ستاره شناس، فیلسوف، ریاضی دان و شاعر دوره ی سلجوقیان است که به خاطر مقام علمی بالایی که داشته به او لقب «حجه الحق» داده بودند، اما بیشتر شهرت و آوازه ی او به خاطر جایگاه ادبی و رباعیاتش است که به چندین زبان زنده

ی دنیا ترجمه شده و در اروپا شهرت فراوانی به دست آورده است. حاصل تلاش های بی وقفه عمر خیام، تدوین جداول نجومی بود که با حمایت های ملک شاه با عنوان الزیج الملکشاهی به دست آمد. تقویمی که خیام آن را تدوین کرد به منظور حفظ ماه های اصلی تقویم قدیمی ساسانیان بود. تقویم ساسانیان هر یک سال شامل ۱۲ ماه بود و هر ماه سی روز داشت. گفته می شود که در این تقویم هر ۱۲۰ سال یک بار، یک ماه اضافه می شد و می گفتند که مردم در این یک ماه به هزینه دولت بودند و کار نمی کردند و به شادی و



مراقب شمعانی بایت باش اردیبهشت ماه مهربانی های بی ملاحظه است

پایکوبی می پرداختند بهمین دلیل دعای ۱۲۰ ساله شوی را از آن برگرفتند که یعنی ۱۲۰ ساله شوی تا این خوشی را در عمرت ببینی). اما در تقویم جلالی هر ۴ سال یک روز به روزهای سال اضافه می شود اما هر دوی این تقویم ها، بر اساس ۳۶۵ روز در سال محاسبه شده اند.

از آثار معروف فارسی منسوب به عمر خیام، رساله نوروز نامه است که با نثری ساده و شیوا، پیدایی نوروز و آداب برگزاری آن را در دربار ساسانیان بازگو نموده است.

خیام معروف ترین شاعر ایرانی است که شهرتش از محافل علمی و ادبی بسیار فراتر رفته است. این شهرت مرهون ترجمه رباعیات او به وسیله "ادوارد فیتز جرالد" شاعر انگلیسی است. که در قرن نوزدهم میلادی، افکار بزرگ فیلسوف و شاعر را به جهانیان شناساند و موجب توجه همگان به این اعجوبه علم و هنر گردید. این است که اردیبهشت ماه برای ما ایرانیان یادآور دو استوره بزرگ ایران می باشد.

و این روزها با اسطوره های دیگری از جنس مهربانی برخورد داریم؛ کادر درمان

آنها هستند که با وجود خستگی ها و سختی ها،

دردها و دل نگرانیهایمان را آرام می کنند

و روزهایمان را اردی بهشتی.

من معتقدم برای بهشتی شدن مهم نیست که به کدام

آیین باشی مهم این است که قدردان باشی

چه از گذشتگان و چه از فرشتگانی که با گذشت و فداکاری

آنها می توانیم این روزهای زیبا را ببینیم. کادر درمان در

همه دنیا، این روزها فداکاری و جانفشانی می کنند.

بیائیم نام کسانی که برای مردمشان مهربانی می کنند

را در گوش تمام بادهای جهان زمزمه کنیم و برای

سلامتی شان دعا کنیم و برای زحمتهایشان دست بزنیم تا

فرداهایمان در تمامی دنیا اردیبهشتی باقی بماند...





استاد مهدی مهدی نئی



به دریافت گواهینامه مدیریت کیفیت نائل گشته و در چندین مرحله تعداد ۷۰ اثر از طرحها و نقوش قالی های پدید آمده ، از حقوق مالکیت فکری برخوردار گشته و برای آنها شناسنامه تنظیم و کد ملی صادر گردید.

استاد مهدی نئی معتقد است که «نیاز به علمی شدن فرش داریم. اساتیدی مثل مرحوم عیسی بهادری، مرحوم ارچنگ، مرحوم حاج مصورالملک، حاج میرزا آقا امامی، مرحوم رشتیان، و مرحوم شادمان فقط در دایره نقش های سنتی عمل می کردند، و رنگ ها را سلیقه ای به آن می افزودند. ما باید به صورت علمی ببینیم چقدر از اینها استفاده کرده ایم، و چه چیز به میراث آنها افزوده ایم.»

به اعتقاد مهدی نئی ایران به تحقیق روزآمد در مورد مسائل فرش احتیاج دارد. زیرا تولید کنندگان قالی در مورد اندازه های مورد نیاز جهان، اطلاعات چندانی ندارند. مردم دنیا ترجیح می دهند با قالی ایرانی بیعت کنند، به شرطی که ما هم اینطرف هنرمندانه برخورد کنیم.

سایه شان مستدام باد



استاد مهدی مهدی نئی در سال ۱۳۳۳ در شهر اصفهان به دنیا آمد . در سن ۱۱ سالگی آموختن نقاشی فرش را آغاز کرده و پس از طی دوران ابتدائی در سال ۱۳۴۷ به هنرستان هنرهای زیبای اصفهان راه یافت و درحده توان واستعداد خویش از خرمن هنراستادان عالی مقامی چون آقایان استاد جزئی زاده و مرحوم استاد جواد رستم شیرازی استفاده کرده و سال بعد رشته مینیاتور را برگزید در این سالها ریاست هنرستان را مرحوم آقای ابوعطا بر عهده داشتند

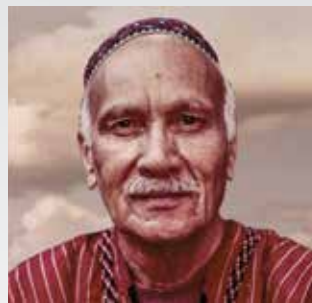
و تا سال ۱۳۵۴ افتخار شاگردی و خدمت استاد مرحوم رحمت ا... شادمان را داشت در سال ۱۳۵۵ دیپلم ادبی دریافت کرده و از این سال مستقلاً درحاشیه بازار فرش مغازه ای تاسیس کرده

در سال ۱۳۸۰ به عنوان طراح و نقش پرداز برگزیده دراولین جشنواره شانۀ بلورین به دریافت لوح و تندیس هنر و صنعت قالی بافی ایران نائل گشته و ضمناً در سه دورۀ پیاپی جشنواره برترین های قالی ایران مقام اول را کسب و در سبک های مختلف موفق به دریافت لوح و تندیس برتر شده و سپس از طرف شورای ارزشیابی هنرمندان کشور به دریافت لوح درجه یک هنری نائل گشته. تا امروز در بیش از ۶۶ نمایشگاه جمعی و انفرادی در داخل و چندین کشور خارجی شرکت کرده و در اهم گالری ها و موزه ها و کلکسیونهای داخل و خارج ایران دارای آثار ارزنده و با ارزشی می باشد . در همین راستا در سال ۱۳۸۶ مارک اصفهان مهدی نئی به ثبت رسیده و همچنین موفق

#تار



مرحوم نیاز محمد نیازی



#پود

آنجا که من می‌دانم او تمام عمرش را فرش بافته است و در کارش استاد بزرگی تلقی می‌شود. «استاد طی سال‌های گذشته برای معرفی فرش ترکمن در بیش از ۵۰ نمایشگاه داخلی و خارجی شرکت نموده و مورد تقدیر مسئولان استانی و کشوری قرار گرفته است. همچنین کتاب «نیازجان و فرش ترکمن» در معرفی استاد نیازجان نیازی و فرش ترکمن است که از انتشارات فرهنگان و به پیشنهاد علی حصوری و به کوشش ذبیح الله بداعی در سال ۱۳۷۱ تالیف و چاپ شده است. استاد در زمینه فرش ترکمن کتابی را آماده چاپ کرده بودند که آرزویش چاپ آن کتاب بود. «آروز دارم قبل از مرگم شاهد چاپ مجموعه ای در زمینه فرش ترکمن باشم که سالها برای آن زحمت و تلاش کشیده ام و امیدوارم بتوانم به آن دست یابم.» استاد نیاز محمد نیازی پس از ۵۱ سال کار و تلاش و شناسایی هنر اصیل و دیرپای فرش ترکمن، در سن ۸۶ سالگی در مورخه ۱۳۸۹/۱/۶ به علت بیماری دارفانی را وداع گفت و پیکر مطهر این هنرمند در آرامگاه آق‌قایه گنبد به خاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد



نیاز محمد نیازی که به پدر فرش ترکمن معروف است، فرزند آراز محمد، در سال ۱۳۰۳/۱/۱۱ در گمیشان متولد شد. در آن سال‌ها پدر وی تاجر بود و از طریق دریای خزر با کشتی باربری خود به بنادر حاشیه دریای خزر از جمله بندر انزلی، آستاراخان (هشترخان)، باکو تردد می‌کرد

استاد در سال ۱۳۵۶ به اهمیت فرش ترکمن بصورت حرفه می‌پردازد. وی آنگاه فرش ترکمن و نقوش آن را با دقت مطالعه می‌کند و پی می‌برد که هر يك از طوایف ترکمن نقش‌های خاص خودشان را دارند و به دنبال آن به فکر احیاء نقش‌های فرش می‌افتد و مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای انجام می‌دهد و متوجه می‌شود ۸۱۱ نقش فرش در بین طوایف و تیره‌های قوم ترکمن وجود دارد و بعد به فکر احیاء این نقش‌ها می‌افتد.

استاد در هنگام تحقیقات خود درمی‌یابد که هر يك از این نقش‌ها بازگو کننده بخشی از تاریخ و فرهنگ قوم ترکمن هستند. وی در طی ۳۵ سال تحقیق و تفحص در نقش‌های فرش ترکمنی، در احیاء این نقش‌ها و نیز بالا بردن کیفیت فرش ترکمن با بکارگیری فنون فرش ترکمن در خصوص طراحی و رنگرزی و با طراحی سیستم جدیدی از دار عمودی توانست دار افقی ترکمن را تغییر دهد

استاد نقش قالی ترکمن را با طراحی در کاغذهای شطرنجی به شکل علمی اجرا و فرصت‌های جدیدی را ابداع کرد و تحقیقات جامع در مورد فرش ترکمن و دیدگاه‌های نویسندگان و هنرمندان را جمع‌آوری نمود. همسر وی خانم قربان تاج محمد نیازی است و استاد درباره‌ی همسر خود می‌گفت: «استاد من همسر است و من هرچه از فرش می‌دانم از همسرم یادگرفته‌ام و تا

معرفی یک هنرمند

گزارش: مریم طاهری

چندین سال است که یک هنرمند جوان و تحصیلکرده خلاقیت زیبایی با دست دوزی های هنرمندان زنان بلوچ انجام می دهد که آوازه آن به آنطرف مرزها هم رسیده ، نه تنها آوازه آن بلکه هنر این هنرمند برای به رخ کشیدن زیبا رویان و زیبا پسندان دست بدست می چرخد و همگی چه ایرانی و چه خارجی از آویختن این دست سازهای زیبا به خود می بالند و من هم به نوبه خودم از آشنایی و دوستی با این هنرمند خوش فکر و خوش سلیقه

خواستم که در این شماره مجله از دست دوزها و دست سازهای مریم مقیسه و



مریم مقیسه





کارهایش بنویسم و بهمین دلیل گپی خودمانی با او داشته باشم و دلم نیامد که این کارهای زیبا را در معرض دید طراحان و دوستان فرشی خودم نگذارم . مریم مقیسه متولد سال ۱۳۶۷ و فارغ التحصیل رشته‌ی گرافیک از دانشگاه تهران و طراحی زیورآلات را از سال ۸۷ در دانشگاه آغاز کرده و از همان زمان صفحه‌ی فیسبوک برند "میم" را راه انداخته . "میم" هم از اول نام و نام خانوادگی این طراح خوش فکر است. در زمان دانشجویی که سرمایه زیادی نداشته و با سرمایه‌ی اندک اولیه شروع کرده شاید بشه گفت با پول توجیبی دانشجویی.... مریم خانم هنرمند قصه ما با این پول سنگ، شیشه و سیم می‌خرد و با آن‌ها ۱۰-۱۵ تا دستبند درست می‌کنه . و وقتی دوستان همکلاسی اش کارها را می‌بینند همگی کارهایش بسرعت می‌خرند و

و عرضه و نمایش محصولاتش شروع کرد. این هنرمند عکس محصولات خود را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذاشت. در شبکه (اینستاگرام) با یک دختر سوزن دوز بلوچ آشنا شد و دامنه همکاری‌هایش گسترش یافت. بدنبال آشنایی با زنان سوزن دوز بلوچ و هنر دست آنها خلاقیت زیادی در کارهایش ایجاد کرد و در حال حاضر بیش از ۵۰

اینطوری می‌شود که مریم، وقتی کارهایش مورد توجه قرار می‌گیرد مصمم می‌شود که کارهای خاص و جدیدی انجام دهد. چون به نظرش طراحی‌های اولش ساده بودند و خیلی زود کپی شدند. سال ۸۹-۹۰ دنبال ایده برای دوره جدید کارهایش بود که با بلوچی دوزی آشنا شد. و کار جدی طراحی زیورآلات سوزن دوزی را از سال ۹۲ با راه اندازی استودیوی شخصی برند "میم"



سوزن دوز بلوچ و ترکمن با این مریم همکاری می‌کنند و همین باعث شد که کارآفرینی برای زنان بلوچ و عشایر ترکمن به نوعی ایجاد شود و با ترکیبی از فلزات زیبایی خیره کننده ای یابد و هنر این عزیزان بر گردن و دست هنر دوستان جلوه نمایی کند. البته تمام طرح ها از خود مریم می باشد متاسفانه به خاطر کپی و تکراری شدن کارهایش مجبور است ایده‌هایش را همیشه به روز کند که البته این هم خودش باعث شده که روز به روز کارهای زیباتر و خاص تری برای سلیقه های متفاوت انجام دهد.

مریم مقیسه کارهایش را در ۷ فروشگاه تهران ارائه می‌کند. این فروشگاه‌ها در مرکز



تا شمال تهران وجود دارند. زمانی که وارد محل کارش می‌شوی می‌توانی مجموعه‌ای از کارهای سنتی گروهی جوان را در کنار هم ببینی که حاصل تلاش هنرمندانی خوش ذوق است اما بیشتر کارها مربوط می‌شود به تابلوهایی که کارهای مریم مقیسه در آنها به نمایش درآمده. نوع چیدمان زیورآلات در تابلوهای بزرگ و کوچک روی دیوار یا سیخی‌های پر از انگشتر و دستبند، و انواع زیورآلات می‌باشد و با دیدن یکی از کارها مجموعه را هم می‌توانید ببینید و با هم ست کنید و زیورآلات مورد علاقه‌تان را خیلی زود انتخاب کنید. البته این روزها که در دوران کرونا بسر می‌بریم دیگر انتخابات بصورت حضوری نیست اما همواره شبکه‌های مجازی این برند فعال است و می‌توان بوسیله سفارش غیر حضوری خرید انجام دهیم. مریم سال گذشته نفیس‌ترین کارهای خود را در قالب مجموعه‌های زیبا در کاخ





نیاوران به نمایش گذاشت و من افتخار این را داشتم که زیبا ترین کارهایشان را بینم . این مجموعه در جایی به نمایش گذاشته شد که در اتاق های دیگر آن لباسهای خاندان پهلوی که متشکل از دست دوزهای سوزن دوزی بود دیده می شد و ایشان هم

گفتند که گرچه آشنایی ام با پارچه های دست دوز بلوچی در نمایشگاه صنایع دستی بطور اتفاقی شد اما بعدها متوجه شدم که این پارچه ها معروف ترین، زیباترین و خاص ترین دوخت پارچه در ایران است و در میان هنرمندان طرفداران زیادی دارد قبل از انقلاب خیلی از خانواده های ثروتمند و افراد سرشناس برای دوخت لباس های خود از پارچه های سوزن دوزی شده کار دست زنان بلوچ استفاده می کردند که شکوه لباس هایشان را بیش از پیش به نمایش بگذارند که در کاخ نیز هنوز لباس های سوزن دوزی این هنرمندان قابل دیدن می باشد.

از مهمترین سوزن دوزان بلوچ خانم "مهتاب نوری" است که یکی از





مشهور ترین سوزن دوزان بلوچستان ایران بود و در تاریخ ۲۴ تیر ماه ۱۳۹۱ در سن ۷۸ سالگی در روستای قاسم آباد بمپور سیستان و بلوچستان در گذشت. وی به واسطه خلاقیت و ذوق بالایی که در این هنر داشت در کنار سایر سوزن دوزان ، برای دوخت مجموعه لباسها از طرف خانم ماه منیر جهانبانی در دهه پنجاه انتخاب شد. لباس های خانواده پهلوی به طراحی کیوان خسروانی با همکاری خانم جهانبانی، برای فرح دیبا

گذر کنی. خوشبختانه که بیشتر مشتری های این محصولات خانم های جوان از رده سنی ۱۶ شروع می شود و تا خانم های مسن هم علاقمند به این گردن آویزها و زیورآلات هستند. توریست ها که بسیار علاقمند به این کارهای زیبا هستند و مریم جان توسط دوستانی که در خارج از کشور دارند برند " میم " را در کشور فرانسه و آلمان هم به نمایش گذاشته و قرار بود که بصورت بسیار

وحتی برای فرزندانشان با هنر سوزن دوزی طراحی و اجرا شد که تعدادی از این کارها در مجموعه سعدآباد و نیاوران تهران نگهداری می شود. وقتی کارهای خانم نوروزی را می بینید آنقدر حس زیبا و شادی دارد که از اینهمه هنر به وجد می آید و تازه متوجه خواهی شد که چرا مریم مقیسه این هنر را برای زیورآلات زیبا و دست ساز خود انتخاب کرده. هنر سوزن دوزی و ایده های زیبای گوشواره و گردن آویز و دستبند که با نقره و سیلور و مس ترکیب می شود نگاه ها را بر روی آنها خیره می کند و نمی توانی از به راحتی





گسترده تر نیز در کشورهای دیگر به معرض فروش قرار گیرد که این روزها متأسفانه امکان آن وجود نداشت اما امیدواریم که بزودی بعد از عصر کرونا بتوانند این کارهای زیبای ایرانی را به نمایش در کشورهای دیگر قرار دهند.

چیزی که در خیلی از کارهای مریم مقیسه دیده می‌شود ترکیب حس و حال سنتی و فرم‌های مدرن است که او به کارهایش داده. البته کلی فکر می‌کند و طرح می‌زند تا فرم‌های جدید و زیبا ارائه دهد گاهی آنقدر برای ساخت یک کار وقت می‌گذارد و اشکال فلزی





و پارچه‌های مورد استفاده‌اش را کنار هم قرار می‌دهد تا در نهایت به شکل تازه و متفاوتی در کارهایش برسد. کارهایی که او پس از ساخت، از آنها عکس تهیه کرده و در فضای مجازی به نمایش می‌گذارد. او بخش زیادی از مشتریان خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی به دست آورده است. دختران و زنان با سلیقه هم با دیدن تصاویر کارهای او بسرعت سفارش کار می‌دهند. البته از هر نمونه کارش تعداد محدودی درست می‌کند؛ چراکه اعتقاد زیادی به تنوع در کارهایش دارد. موفقیت در کارهایش آرزوی ماست.

مریم طاهری



مهداب نوروزی (در گذشته)
 ۲۴ تیر ۱۳۹۱ در سن ۷۸ سالگی
 در روستای قائم‌آباد بمپور
 - سیستان و بلوچستان) یکی
 از مشهورترین سوزن‌دوزان
 بلوچستان ایران بود.
 وی به واسطه خلاقیت و ذوق
 بسیار بالایی که در این هنر
 داشت در کنار سایر سوزن
 دوزان، برای دوخت مجموعه
 لباس‌های دربار از طرف
 خانم شاه منیر چهارمینی انتخاب
 شد. لباس‌های خانواده پهلوی
 به طراحی کیوان خسروانی با
 همکاری خانم چهارمینی، در دهه
 پنجاه خورشیدی برای شرف دنیا
 با هنر سوزن‌دوزی طراحی و
 اجرا شد. تعدادی از این آثار
 در مجموعه سعدآباد و نیاوران
 تهران نگهداری می‌شود.

این یک گفتگوی خودمانیست با یکی از دست اندرکاران فرش نه مصاحبه رسمی ، بهمین سبب هر آنچه که نوشته شده بی هیچ کم و کاست و با همان لحن گفتمان نگارش شده است.

گفتگو



خانم حصل خانجانی

مدرس، تولید کننده و بافنده فرش ترکمن

را برای بیرون انجام میدادیم ، ما در سن ۱۹ سالگی تمام جهیزیه امان را در کنار مادر بافتیم و کامل کردیم و بعد از ازدواج هم در خانه همسرم که مادر ایشان هم از بافنده های بسیار ماهر دوران خودشان بود بافندگی را ادامه دادم و حتی زمانی که بچه دار شدم و بچه های کوچک داشتم همیشه یک دار قالی کوچکی کنار اتاق داشتم .

آیا اساتیدی خارج از دانشگاه در زمینه بافت فرش روی شما تاثیر گذار بودند؟

بله من در سال ۱۳۷۵-۷۶ وقتی پسرم که اکنون یکی از تولید کنندگان خوب فرش ترکمن است و در کنار من می باشد و انگیزه بسیار خوبی هم دارد، ۳ ساله بود که نزد استاد نیازی رفتم و بمدت دو سال از ساعت ۷ صبح تا ۵ در کنار ایشان بودم و با هدف اینکه بتوانم آموزش بافت بر روی دارهای عمودی را بینم بعلت اینکه جای کمتری را می گیرد که بعد بتوانم در خانه از این روش استفاده کنم نزد ایشان رفتم اما استاد زمانی که کار من را دیدند گفتند که در

لطفا بیوگرافی خود و اینکه چگونه بافت را یاد گرفته اید را بفرمایید

حصل خانجانی هشتم متولد ۱۹ خرداد روز جهانی صنایع دستی و در سال ۱۳۴۲ در شهرستان گمیشان از توابع بندر ترکمن که در سال ۱۳۴۸ بعلت سیلی که آمده بود به گنبد آمدیم و از آن زمان در گنبد ساکن شدیم ابتدایی را در شهرستان گنبد شروع کردم . متاسفانه بعد از ۳ سال پدرم رو ازدست دادم و در شرایط خیلی بدی قرار گرفتیم و از ۱۰ سالگی در کنار مادرم قالیبافی را یاد گرفتم و مادرم یکی از بهترین قالیبافان بود من تربیت شده یک استاد کار بسیار قوی در فرش ترکمن هستم . من خواهر دو قلو هستم و هر دو در کنار اینکه درس می خواندیم حتی دونوبته به مدرسه می رفتیم ، قالیبافی را در کنار مادر انجام میدادیم تا برای مخارج خانه کمک کوچکی کرده باشیم . تحصیلات دبیرستانم را در سال ۱۳۶۰ به پایان رسانیدم و بعد از آن ازدواج کردم و با اینکه خانه دار بودیم همزمان بافتها



تعاونی تولید فرش دستباف را از طریق وزارت تعاون دریافت کردم و تا به امروز هم در زمینه تدریس و هم در زمینه تولید فعال هستم و خدا رو شکر در سالهای اخیر توانستم تنها پسرم را به این رشته تشویق کنم و ایشان هم با علاقمندی تمام در زمینه تولید همکاری بسیار گسترده ای دارد و در همه امور در کنار من همکاری دارد.

- علاقه شخصی شما در فرش مربوط به کدام منطقه ایران است ؟

علاقه شخصی ام فرش هریس است . چون طرح ها و رنگهای عشایری و روستایی است و رنگهای بسیار ملایم و با تعداد کم بافته می شود و من همیشه از علاقمندان این فرش بودم و میدانم که از فرشهای پر طرفدار در ایران و جهان می باشد. و علاقمندی بعدی هم فرشها و گلیم های عشایری استان فارس و گبه های ذهنی باف و گلیم های با رنگرزی طبیعی و شاد

کنارشان باشم و به مدت ۲ سال در کنار ایشان و خانمشان قربان تاج نیازی و نوه هنرمندشان سپیده نیازی و یک گروه هنرمند ۱۲ نفره بمدت ۲ سال در کنار هم قالی های نفیس خوبی را زیر نظر ایشان بافتم و در سال ۱۳۷۸ با راهنمایی استاد و با توجه به اینکه من ۳ فرزند داشتم دانشگاه علمی کاربردی رشته فرش در گرگان شرکت کردم و در سال ۸۰ در مقطع کاردانی تحصیلاتم را تمام کردم.

- از فعالیت های آموزشی و تولیدی قبل از دانشگاه بگوئید؟

البته قبل از دانشگاه در جهاد کشاورزی گنبد در زمینه آموزش رشته فرش هنرستان استقلال به مدت ۲ سال فعالیت داشتم و بعد از اتمام دانشگاه هم بعنوان حق التدریس در دانشکده گنبد کوثر که یکی از دانشگاه های فنی حرفه ای کشوری هستند بطور مستمر از سال ۸۰ تا ۹۰ با هفته ای ۲۸ ساعت تدریس را ادامه دادم. از دیگر فعالیت های آموزشی قبل از دانشگاه امتیاز آموزشگاه آزاد فرش را در زمانی که هنوز استان گلستان از استان مازندران جدا نشده بود کسب کردم و شرکت





باعث شده که محصولات بافت این استان طالب بسیار خوبی در بازارهای ایران و جهان داشته باشد. و بدلیل اینکه با رنگهای طبیعی بافته میشود و با طرح هایی است که به طبیعت نزدیک است بسیار مورد علاقه من می باشد.

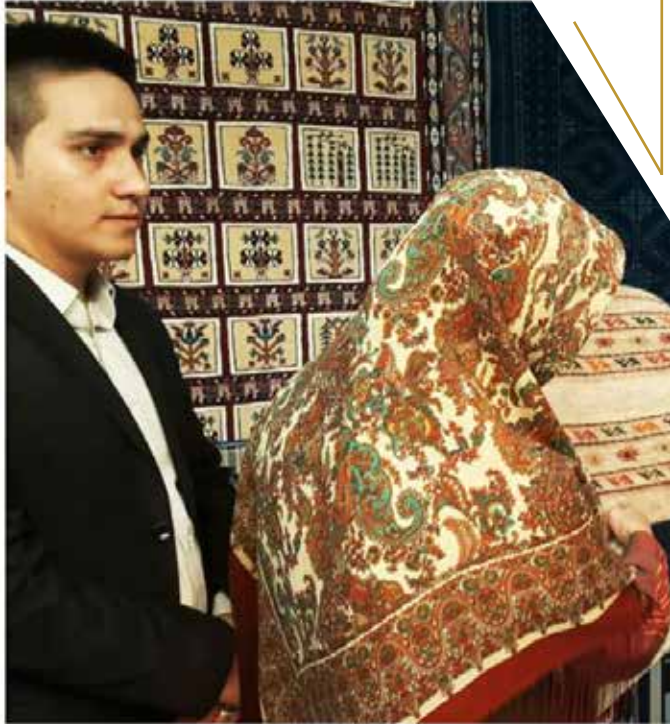
- آیا فرش ترکمن صادرات خوبی داشته ؟

متأسفانه درباره صادرات فرش ترکمن ما بهیچ عنوان صادر کننده صادرات فرش ترکمن را به بیرون از کشور صادر نمیکنیم و اگر هماصفهان و فرش صادرات از طریق تجاری به بیرون صادر شود با انجام عملیات تکمیلی بر روی آن صادر شده. نه از طریق تولید کننده های ترکمن و من این مطلب رو بطور یقین می گویم زیرا اصلا صادرات فرش ترکمن بصورت خاص وجود ندارد و تنها بصورت ترکیبی از طرف تاجران صادر کننده فرش خودمون در منطقه می توانیم صادر کنیم که درفرشهای اصالت رنگ و اصالت موادمی توانیم که ماداران قدیمی داشتیم یعنی نخ های دست ریزی که کردند و ما با دست می کردیم و با رنگری گیاهی که در آن زمان انجام می دادند انجام پذیرد و اگر بتوانیم دنبال زمان این فرشها باشیم و بصورت آنتیک فرشهایی را تولید کنیم می توانیم خودمان صادر کننده خوبی برای فرشهای صادرات فرش هم اگر بشه که در مورد مرغوب استفاده بشه هم همیشه مواد دستریس و کاملاً مرغوب نیست اما اگر بشه مواد مرغوب و رنگری





بهتری استفاده بشه ما می توانیم در مقوله صادرات خوبی داشته باشیم . ما می دانیم که فرش ترکمن یک فرش برند هست اما نه تولیدات امروز ما . فرش ترکمن در دنیا یک فرش شناخته شده است اما متأسفانه در بحث تولیدات ما هنوز به آن درجه نفیس نرسیده ایم . من خودم به تنهایی در این مقوله کمی تحقیق کردم و کارهایی انجام دادم که انشالله در تولیدات بعدی که خوشبختانه تولید کننده کارهای من پسرم هست و هم عقیده می باشد



آن کیفیتی که مواد اولیه مصرفی در استان خصوصاً خود ترکمن ها داریم نخ های خوبی با رنگهای مرغوب و رنگرزی خوبی استفاده همیشه . بخاطر اینکه هزینه مواد اولیه و رنگرزی گیاهی و ریسندگی دستریس در منطقه گرون تموم میشه تولید کننده های استان گلستان و ترکمن ها طالب این همه هزینه نیستند و ترس این را دارند که امکان فروش را نداشته باشند . اما من مطمئن هستم که اگر هر تولید کننده بتواند همان اصالت قدیمی خودش رو حفظ کنه همانطور که خودتون می دونید بیشترین فرشهای قدیمی ترکمن و دستبافته های قدیمی زنان ترکمن با طرح ها و رنگهای بسیار زیبا و با توجه به اینکه تعداد رنگ محدودی استفاده میشده آنقدر زیبا و نفیس هست که در مجموعه های خارجی و موزه های خارجی مزین شده و ما طرح های بسیار عالی در این موزه ها داریم

که در آینده فرشهای کمتر با کیفیت بیشتر تولید کنیم و از طرح های قدیم ترکمن که فقط در عکسهای قدیمی و در یادها مانده استفاده کنیم و تولیدی زیبا و نفیسی داشته باشیم چنانچه که بعد از بافت ، خود فرش با افکار مشتری ها و به تبادل احساس برخیزد و بتواند رازها و داستانهای درون خودش رو به بیننده القا کند.

- آیا معتقد هستید که فرش ترکمن امروز با گذشته تفاوت زیادی دارد؟

البته فرش ترکمن هم متأسفانه تجاری سازی شده و حالت تجاری دارد نه اینکه بخواهد اصالت فرشهای قدیمی را نگه دارد. ما در تولید درسته که از موتیف های خودمان استفاده می کنیم و سعی می کنیم که از رنگ های قدیمی استفاده کنیم برای رنگ بندی فرشهای قرمز ولی متأسفانه

من یک آرشیو از این طرح ها گردآوری کردم که باور کنید که در وجود من حس بسیار خوبی دست میدهد که با خود می گویم که چگونه مادران و مادر بزرگان و دختران ایلها در آن زمان سخت کوچ واره ای و عشایری اینچنین طرح ها را به یاد می سپردند و بر روی فرشها و دستبافته ها ایجاد کرده اند که ما الان نمی توانیم انجام بدهیم .

- در مورد استاد نیاز جان بصورت اجمالی سخنی بگوئید و بفرمایید ایشان چه تاثیری بر فرش ترکمن داشته اند

من در طی سالهای ۷۶-۷۷ در کارگاه استاد نیازی در کنار ایشان بودم با دارهای عمودی در آنجا آشنا شدم با نحوه ی چله کشی و کاغذهای شطرنجی و استفاده طرح های قدیمی روی کاغذ انجام می شد آشنا شدم و در کارگاه طراحی ما تقریباً پونزده نفر بودیم حتی همون قالیچه های نفیسی که در کارگاه استاد نیازی بافته شد خود بافندگانی که اونجا بودن این کار رو انجام دادند و بافتش رو تا به انتها انجام دادند. استاد نیازی خیلی آدم سختگیری بود و در همه ی کارهایش دوست داشت همون چیزی باشه که از کارآموزاش انتظار داشت و به نحو احسن شش قالیچه با طراحی های مختلف در آن کارگاه به اتمام رسید و یک کار ۱۲ متری که تمام نقوش طوایف مختلف در آن طراحی شده بود که متاسفانه این کار به پایان نرسید اما طی تلاش های بعدی استاد نیازی با استفاده از بافندگان تونسسته بود این کار رو تموم کنه. من حقیقتاً



هدف ما معرفی طوایف با طرح های مختلف بود تا اونجایی که تونستیم فرش های قدیمی رو تهیه کنیم و درکنارش فرش های جدید رو داشتیم حتی با طرح و نقوش متفاوت و طرح های کوچک تر و ابعاد هشتاد، که مد نظر خود سازمان بود. چون ما بعنوان فرشهای موزه ای با طرح های قدیمی بزرگ



مادر و اولین استاد خانم خانجانی او یکی از بهترین بافنده گان ترکمن بود

پارچه چیزی نداشتیم و اکثرا فرش های کوچک بود که زیر پا زود از بین میروند ما قالی هایمان را که با موتیف های طوایف مختلف که من خودم طراحی کردم و بافت های خوبی انجام دادیم، به نمایش گذاشتیم. حقیقتا تلاش زیادی که در جهت جمع آوری فرش ها در یک سال و نیمی که من اونجا داشتم بی نهایت بود و طی افتتاحیه ای که ما داشتیم زمانی که طی سخنرانی آقای دکتر کارگر رئیس موزه اعلام کردند که اینجا سومین موزه تخصصی فرش در ایران است واقعا برای من بسیار شادی آور بود با اینکه محیط بسیار کوچکی است ولی بسیار سعادت برایمان داره که ما بتونیم یک جایگاهی در ایران به عنوان یک موزه ی فرش داشته باشیم و این خیلی برای من رضایت بخش بود.

موزه ترکمن از نظر مساحت محیط کوچیکه اما زمانی که واردش میشی و با نقوش متفاوت ترکمن مواجه میشی یک احساس رضایت بخش بهت دست میده داخل موزه از ابزار بافندگی ترکمن از مواد رنگزای ترکمن به عنوان معرف کارهای ترکمن در کنار فرش ها داریم و یک فرش ابریشم دو رو داریم که واقعا مشخصه ی خوبیه برای فرش های

در کنار استاد نیازی با استادان دانشگاه آشنا شدم. با رشته ی دانشگاهی هنر فرش اونجا آشنا شدم و چون علاقه داشتم تونستم از طریق راهنمایی هایی که اونجا میگرفتم حالا کارکنان خود جهاد کشاورزی که اونجا حضور داشتند و خصوصا پسر خود استاد نیازی خدا رحمتشون کنه آقای رضا نیازی انسان بسیار متخصصی بود خصوصا در رنگرزی گیاهی. رنگرزی هایی که ایشون انجام میدادند واقعا به تمام معنا رنگهای بسیاری عالی ای بود که ما به شخسه اونجا دیدیم. نوه ی ایشون خانم سپیده نیازی با اینکه مشکل جسمی زیادی داشت اما واقعا هنرمند بود هم در بافتن فرش و هم در طراحی فرش که



استاد

میگفتند

سپیده

عصای

دست منه.

خانم ایشون

قربان تاج

نیازی با سن

واقعا بافنده ی

بالاش

هنرمندی بود

که من در کنار ایشون و در کنار نوه

ی استاد با هم نشستیم و کار کردیم و بافت

را انجام دادیم ومن چیزهایی رو که واقعا فکر

میکردم نمیدونم خواسته های قلبیم رو اونجا

تونستم یاد بگیرم و در ادامه تلاش های خودم

از اونها استفاده کنم.

میدانیم که شما موزه فرش ترکمن را در گنبد تاسیس کرده اید لطفا از آن برایمان بگویند که چگونه شروع کردید و هم اکنون چطور است؟

درخصوص موزه فرش ترکمن طی تلاش هایی که با همکاری اداره ی میراث فرهنگی گنبد داشتیم توانستیم فرش ترکمن رو به ثبت ملی برسونیم و امتیاز خوبی که برای گنبد داشتیم امتیاز موزه ی فرش ترکمن بوده که طی اعتباراتی که از تهران تخصیص یافت چون مکانش رو خود میراث فرهنگی در جوار برج قابوس داشت توانستیم طی تحقیقاتی که در خصوص طرح های مختلف داشتیم چون

- آیا طراحی و بافت فرش ترکمن داستان عاشقانه ای دارد زیرا من شنیده ام یک داستان عاشقانه ای برای آنکه همیشه فرشهای ترکمن با زمینه قرمز بافته می شود داشته است آیا صحیح است؟

شاخصه های طوایف ترکمن پرنده های قوی بودن که هر طائفه ای رو با نام اون پرنده قوی که روی درفش های اون زمانشون داشتند شناخته می شدند شاهین عقاب و ... در خصوص عاشقانه های ترکمن، عاشق شدن جوان چوپان به دختر خان هست که باعث میشه اجازه بیرون آمدن به دختر خان ندهند و رابطه ی آنها از طریق نامه به پرنده ای که از طرف پسر چوپان به دختر خان فرستاده میشه البته صحبت نامه رو من قبول ندارم چون اون زمان سوادی نبوده اما شاید از طریق اشاراتی این کار انجام شده. در طی مدتی که دخترخان در آلاچیق خودحبس بوده چوپان پشم هایی رو به پای کبوتر می بسته و برای دختر میفرستاده. دختر خان این هارو جمع میکنه و حلاجی و ریسندگی میکنه و یک بافتی رو برای خودش شروع میکنه. این نخ ها بدون رنگ و زمینه سفید بوده. و در این مدت یک فرشی رو به اتمام میرسونه. سربازان خان متوجه میشه این پرنده میشن که میاد و میره و اون رو با تیر میزنن. و گفته شده که پرنده زمان تیر خوردن روی همون فرشی که دختر خان بافته میفته و خون پرنده روی فرش میریزه و گفته شده که

ترکمن. مخصوصا زمانی که بازدیدکننده های خارجی رو در اونجا داریم بسیار برایشان قابل تقدیر و ستایشه و ما به این می بالیم که چنین دستبافته هایی داریم. خانم طاهری عزیز، خبر خوبی میتونم به شما بدهم ولی فعلا در حدی که معرفیش کنم من در طی تلاشهایی که داشتم پیگیر موزه ی شخصی بودم از طریق بازدید هایی که از خود وزارت میراث فرهنگی دکتر نامور مطلق آمده بودن و سال قبل از طرف معاونت اداره کل موزه ها چندتا بازدیدی که داشتند موافقت شد با موزه ی شخصی من به اسم خودم مجوز مجموعه داری رو به من دادند و دیروز استارت این کار زده شد و کارهای اولیه ش رو انجام بدم که بتونم یک موزه ی شخصی با نام موزه هنرهای سنتی بافته های داری در بخش خصوصی داشته باشم. به امید خدا بتوانم با این کار معرف فرهنگ تاریخ ترکمن و زحمات و هنر مادران ترکمن باشم و امیدوارم توان این را داشته باشم که نظر بازدید کنندگان و یا علاقه مند چه از ایران و چه از کشورهای دیگر را جلب کنم و بتوانم جایگاه خوبی برای فرش ترکمن داشته باشم.



میکنه این رو من از زمانی که بخاری هیزمی داشتیم دارم و من احساس خوب رو از اون زمان به یاد دارم و برای من تجدید خاطره میشه و اینکه مادران ترکمن جدا از داستان عاشقانه، رنگ قرمز آتش رو دیده و احساس کرده برایش مفیده و گرمی رو به آلاچیق می آورد. در همه موارد فرش های ترکمن از آن هم الهام میگیره و مورد دیگر دیدن غروب یعنی ترکمن ها زمانی که از صبح تا غروب فرش میبافند و استراحت کوتاهی رو برای بیرون رفتن از چادر ها دارند و دیدن غروب احساس خوبی رو به زن بافنده میده زمانی که منتظر بازگشت همسرش از شکار یا سفر هست اون احساسات و انتظاراتی که داره باعث شده که اون رنگ غروب خورشید رو هم توی بافتش داشته باشه هاله رنگ قرمز شدن وقتی که خورشید داره میره پایین و بعدا گرایش اون به رنگ نارنجی و مسی، اینها الهاماتی هست که از طبیعت به قلب بافنده اومده و اونها رو به صورت ذهنی و احساسی بصورت یک راز، راز انتظار در بافته هاش آورده. زیرا یک زن عشایر هر چه را از طبیعت الهام می گرفته با حس درونی خود در هم می آمیزد و به نقش در می آورد. اگر بخواهیم از حس فرش ترکمن صحبت کنیم صحبت زیادیه صحبت رازهای مردمان ترکمن.

این باعث میشه که زمینه فرش تبدیل بشه به قرمز و این فرش قرمز داستان عاشقانه داره که طی عشق یک پسر چوپان به دختر خان بوجود اومده و چون رنگ قرمز جزو رنگ های گرم است و می توان گفت توی همه مواردی که مربوط به عشق و عاشقیه رنگ قرمز هست و این داستان نسل به نسل در صحبت های مادران آمده.

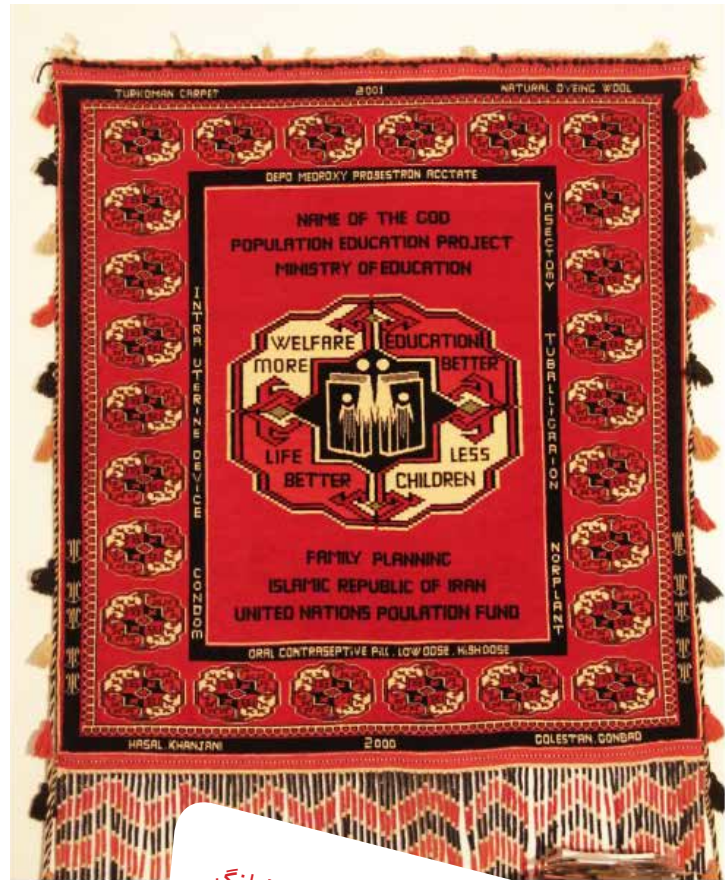
ترکمن قبل از اینکه دین اسلام رو بپذیرد شمنیسم بوده یعنی طبیعت پرست بوده. توی طبیعت ترکمن آتش پرست بوده علت آتش پرستی ترکمن این بوده که چون آتش، آلاچیق ترکمن و فرزندانش و همه ی اموال و رمه های آنها را از گزند حیوانات حفظ می کرده آنها شبها قبل خواب دورتادور آلاچیق و اوبه ها آتش روشن میکردند و این آتش باعث حفظ مردمان از گزند حیوانات می شده و بهمین خاطر آتش فرهنگ خوبی رو در تاریخ ترکمن داره و همیشه آتش مقدس بوده و الان هم همینطوره من طی بررسی هایی که اخیری داشتم با یک خانومی که در خانواده ی عشایر بزرگ شده به من گفت که تا الان هم ترکمن قبل از اینکه از یک منطقه به منطقه ی دیگه کوچ داشته باشه آتشی رو روشن میکنن و هرکدام از گوسفندانی که میخوان به طرف کوچ فرستاده بشه رو یکی یکی از روی آتش رد میکنند که این آتش گوسفند و گله هارو حفظ کنه و اون خانوم گفت که من تا زمانی که توی عشایر خودمون بودم این ها رو با چشم دیدیم.

داخل الاچیق ترکمن فضای تعریف شده ای به اسم اجاق داریم که پخت و پز مادران ترکمن آنجا انجام میشه و حتی در وسط الاچیق این کار رو انجام میدن و رنگ آتش زمانی که چوب ها میسوزن و سرخ میشن احساس خوبی رو به انسان القا



- آینده فرش ترکمن را چگونه می بینید آیا
علاقمندان جدیدی چه در بافت و چه در
طراحی و کارهای فرش می بینید؟

متاسفانه فرش ترکمن شاید طی بیشتر از
۱۵ سال و شاید نزدیک به بیست سال
اتفاق بدی که افتاده ما در منطقه خودمون
بهترین کیفیت فرش رو داشتیم متاسفانه
ورود فرش گبه ی استان فارس توسط
تولید کننده ها و قبول اون از سوی بعضی
از تولید کننده های این منطقه بدترین
حالتی بود که در زمینه تولید فرش ترکمن
داشتیم وزیران هایی که به فرش ترکمن
زده . خوشبختانه ما در منطقه گنبد کابوس
و اطراف نداریم شاید اگر داشته باشیم
یک درصد تا دو درصد . اما در محله افغان
آباد ترکمن که شیوه ی بافتشون این نوع
تولیداته و دنبال تولیدات با نقوش کمتر
هستند این تولید داره انجام میشه ولی در
منطقه آق قلا و بندر ترکمن و روستاهای
اطراف اون رواج زیادی پیدا کرده و خانم
های ترکمن بافنده های خوب فرش ترکمن
چون آشنا شدن با این تکنیک ساده بافی
فرش دیگه راغب نیستن به بافت فرش
های ترکمن چون این بافت ها درشت باف
هستند و زمان کمتری می برند به پول
میرسند البته پول ناچیزی که شاید نتونه
خیلی براشون ثمر بخش باشه . اما این کار
انجام شده و خطر بزرگیه متاسفانه اداره
صنعت و معدن به عنوان مجری و متولی
هنر فرش منطقه هم هیچ عکس العملی
نشون نمیده.



- موتیف های عشایری هر کدام نشانگر
یک مفهومی است و میدانیم که موتیف
های فرش ترکمن نیز از ان جمله است لطفا
مقداری راجع به این موتیف ها و معانی آن
صحبت بفرمایید.

کلا فرش ترکمن نمادینه است. هر نماد
ترکمن حرف ها و رازها داره از شاخ قوچ
گرفته ، طرح دو قاچی و... که طرح سه
گوشه که توی بیشتر بافته های عشایری
داریم که حالت چشم نظری استفاده
میشه شاخ قوچی که قدرت جنگندگی
مرد ترکمن رو با الهام از همون قوچ هایی
که در نمادها وجود داره رو نشان میده
قدرت باروری اون رو زمان بهار و باروری
و زیاد شدنشون رو نشان میدن این برای
ترکمن احساس خوشایندی داره و اینها رو
زنان ترکمن به عنوان تصاویر نمادین بر
روی بافته هایشان آوردند. منظورم از این
باروری زایش رمه ها و گوسفندهاست.



این هم بستگی داشت و متاسفانه ورود بافت ساده گبه باعث شد که ترکمن به اون اصالت اصلی خودش در بافت اهمیت ندهد حتی زمانی که با نقشه می بافند دقت زیادی ندارند و اشتباه دارند قبلا فرش ترکمن با دست پرداخت میشد الان فرش هایی که با دستگاه ماشینی پرداخت می شوند حرفی در برابر فرش هایی که با دست پرداخت



اگر برگردیم به زمان صفویه که اوج شکفته گی فرش ایران بود اون زمان اینطور بود که در هر منطقه فرش همون منطقه بافته بشه با ایجاد کارگاه های بزرگ در کرمان فرش کرمان در تبریز فرش تبریز و هیچ اجازه داده نمیشد که فرش یک منطقه برود در منطقه دیگری تولید بشه و این به حفظ اصالت فرش های اون منطقه کمک میکنه. متاسفانه با ورود گبه ضرر بسیار بزرگی به فرش منطقه زده شده چون باعث شده که در بافت فرش های ترکمن هم دقت زیادی نکنند. فرش ترکمن با کوبش شانه ها در هر دو ردیف بافت سفت و محکم میشد یعنی ارزشمند بودن فرش ترکمن غیر از پشم و مواد اولیه مرغوب طرح و نقشه خوب به بافت خوب بافنده و دقت اون نیاز داشت طرح ها با اینکه ذهنی باف بود بافنده با دقت و کمک از ذهن خودش تلاش میکرد که ایرادی در کارش نداشته باشه و نهایتا پودگذاری که انجام میشه و بعد از پود گذاری با زدن شانه ها که در هر دو رج یکبار که صدای سم اسب رو در میاره وهمین حالت باعث میشد که بافنده ترکمن به شوق بیاد و کوبش شانه هاشو بیشتر کنه فرش ترکمن کیفیتش به

میشوند ندارند. من خودم در زمان خودم پرداخت کننده عالی در پرداخت فرش ها با قیچی های بزرگ ترکمنی بودم دقت زیادی در این کار داشتم و همیشه کلمه باریکلا رو از مادرم و دیگران میشنیدم. حقیقتا بافت ترکمن متاسفانه آن کیفیت خودش رو خصوصا در منطقه آق قلا و بندر ترکمن و روستاهای اطراف از دست داده وگرنه منطقه کناره های دریای خزر یک زمان به عنوان طائفه جعفربای بهترین بافت ها را داشتند که خریداران بزرگ ارامنه و خریداران بزرگ تهران رو برای خودشون داشتند من عموی بزرگم که اخیرا در سن ۹۴ سالگی از دنیا رفتند یکی از بزرگترین تولید کننده های منطقه بودند که مشتری های ارامنه رو برای خودشون داشتند و صادر کننده فرش به بقیه شهرها بودند .



از انواع دستبافته های ترکمن بگوئید

زن ترکمن عاشق زندگی و فرهنگش بود و جهت احترامی که نسبت به خان قبیله داشت فرشی به نام " انسی " که نماد قدرت و بزرگی خان بود و احترامی که نسبت به اون اوبه ی ترکمن داشت فرشی به نام انسی جهت آرایش الاچیق ترکمن بافته شده فرش انسی با طرح های بسیار زیبا با طرح هایی که در بقیه دستبافته ها به هیچ عنوان استفاده نشده کار شده طرح های خاص هستند حالت سجاده ای دارند ولی بعنوان سجاده استفاده نشده طرحی که در بالا بعنوان محراب نشان داده شده نماد عروج و رسیدن به خدا رو نشون میده اینکه خانی که در اون قبیله مراقب اوبه ی خودش و بچه ها هست که آسیب نیبینه و پرورش جوانها و احترام خاصی که داشته اون رو واقعا یک انسان خدایی میدونستن یک انسان بزرگ و قابل اعتماد برای اوبه ی ترکمن بوده. فرش انسی در بالای درب الاچیق خان قبیله قرار داده می شده و حتی به عنوان نشان و راهنمایی است که از دور پیک میاد و یا مهمانی وارد اونجا میشه از دور میفهمه که اون الاچیقی که دستبافت رو داره مربوط به خان قبیله است و میتونه به راحتی کارهاشو انجام بده. از دیگر دستبافته ها که مادر ترکمن بهش

اهمیت داده اسب همسرشه که اسب ترکمن در زندگی ترکمن خیلی مفید و قابل احترام بوده و می باشد و در جنگ ها استفاده شده و مونس مرد ترکمن بوده در برای زیبایی اسب همسرش دستبافته ای به نام جل اسب را بافته و حتی توبره جای غذای اسب همسرش رو براش بافته. جهت تزئین کاروان عروسی دخترش جل شتر بافته شده **آسمالیق** (به معنی بافته آویختنی) و **دیه حالیق** (دیه به معنی شتر و حالیق یعنی فرش کوچک که بافت آن پنج ضلعی می باشد که بعد از پایان بافت قسمت ابتدایی بافت را با منگوله های پشمی و رنگی تزئین می نمایند) که در کناره های شتر قرار میگرفته و برای تزئین کاروان عروسی نسبت به خودش و این اهمیت و اینکه دختری رو داره راهی فرزندان و میکند را نشان میده در داخل خانه بخت میزند را نشان میده در داخل الاچیق نیازهای خانواده رو با دستبافته هایش برطرف کرده جای نمکدان ترکمن ،جای قاشق های چوبی ،جای البسه و توبره ها در اندازه های مختلف توبره های بزرگ یا جوال جهت گذاشتن جهیزیه عروس زمانی که به خونه ی بخت میره و



اینها لوازمی بوده که دختر در خانه ی مادر بافته و زمانی که به خانه نو میره و آلاچیقی که برای عروس و داماد در نظر گرفته می شده این جهیزه در آنجا قرار میگرفته و زندگی رو با دستبافته های زیبای خودشان شروع میکردند.

زیبای سرپرده ی درب ورودی آلاچیق از بافته های زیبای ترکمن هم برای آرایش درب آلاچیق هم برای جلوگیری از ورود حشرات یا اجازه ندادن ورود حیوانات با دیدن آن آویزه هایی که وجود داره که این حاصل فکری بوده که مادر ترکمن کرده برای جلوگیری از ورود این حیوانات و حشره ها بوده.

بافت **آق یوب** نوار سفید همراه با نقوش ذهنی زیبای که این نقوش خاص این نوع بافته داری می باشد که جهت تزئین دور تار دور آلاچیق استفاده می شود و نوع چله کشی این نوع دستبافته بصورت چله دوانی است که تقریباً مترانش جزو آن به ۱۶ متر میرسه جزو دستبافته های



نادر و بسیار سخت بوده که با امکانات کم مادر ترکمن برای تزئین آلاچیق عروس و پسر خودش بافته و این دستبافته ها در ایام عید استفاده میشه برای تزئین داخل آلاچیق و زمان خاص خودش برای استفاده داشته.



آیا فکر می کنید عشایر دیگر از موتیف های فرش ترکمن بهره برده اند یعنی موتیف های فرش ترکمن بر روی بافته های دیگر مناطق تاثیر گذار بوده است ؟

به این نمونه در خصوص عشایر کرد کرمانجی خراسان شمالی اشاره کنم که این عشایر زمانی که دامهاشون رو کوچ میدان سمت شمال شرقی استان گلستان که در آن منطقه ما ترکمن داریم و کردهای خراسان شمالی داریم اگر بافته های کردهای خراسان شمالی رو مشاهده کنید نزدیکی و تشابه این بافت ها و موتیف ها را می بینید یعنی اینکه از فرشهای ترکمن الهام گرفته اند.

با توجه به اینکه شما از کودکی بافندگی را آموزش دیده بودید آیا دانشگاه توانسته بود به اطلاعات شما چیزی بیافزاید یعنی این رشته مفید بوده است و توان آموزش را دارد؟

بله ، دوسالی که در رشته فرش در دانشکده علمی کاربردی گرگان بودم سالهای خوبی بود که تونستم خیلی خودمو جلو بکشم از کودکی آدم تیزبینی هستم و سعی میکنم دنباله روی آن چیزی که می خواهم باشم و از فرصت ها استفاده میکنم طی آن دوسال

سعی کردم برای خودم یک استاد تمام معنا باشم در کنار اساتید دیگر کمک دانشجویها بودم ایراداتشون رو میگرفتم فقط دانشجو نبودم خصوصا در شیوه های تولید فرش دستباف دانشجویهارو یاری میکردم . بهرحال ما خیلی سنمون بالاتر از بقیه دانشجویان بود البته غیر از من آقای فرهادپور، آقای حمید پوری و آقای موشه افرادی بودن که شاغل جهاد کشاورزی و اتحادیه فرش بودند دوران پر ثمری رو در کنار این افراد گذروندیم و از تجربیات این افراد هم استفاده کردیم و تونستیم خودمون رو جلوتر ببریم.



- آیا شما آموزش هم می دهید البته منظورم در دانشگاه می باشد و اصلا این رشته در گنبد و یا اطراف در دانشگاه تدریس می شود؟

ما در شهرستان گنبد سومین دانشکده ی فنی حرفه ای دختران دولتی رو داریم که رشته ی فرش از سال ۷۸ تاکنون اونجا اجرا میشه من



از بهمن سال ۸۰ تا ۹۰ بطور مستمر هفته ای ۲۸ ساعت در رشته شیوه های تولید فرش دستباف کار کردم که خداروشکر در طی روزهای اخیر شنیدم که قرار است کارشناسی این رشته هم در این شهر ارائه شود چون در شهرهای دیگر هم اکنون نیز وجود دارد.

در آخر هر چه که دوست دارید بعنوان سخن آخر بفرمایید چه در مورد بهتر شدن بافت و ماندگار شدن بافت فرش ترکمن و چه در مورد آموزش آن

یکی از موفقیت های من در تولید فرش چون متوجه شدم که بازار جهانی و بازار مشتری که فرش دستباف داریم طرح هایی است با زمینه ساده با رنگ های کمتر و من این جسارت رو پیدا کردم برای اولین بار در تاریخ ترکمن با حفظ اصالت طرح ترکمن فرشهایی با دورنگ تولید کردم که خداروشکر بازار خوبی پیدا کردم سفارشات خوبی داشتم با یک و دورنگ زمینه .

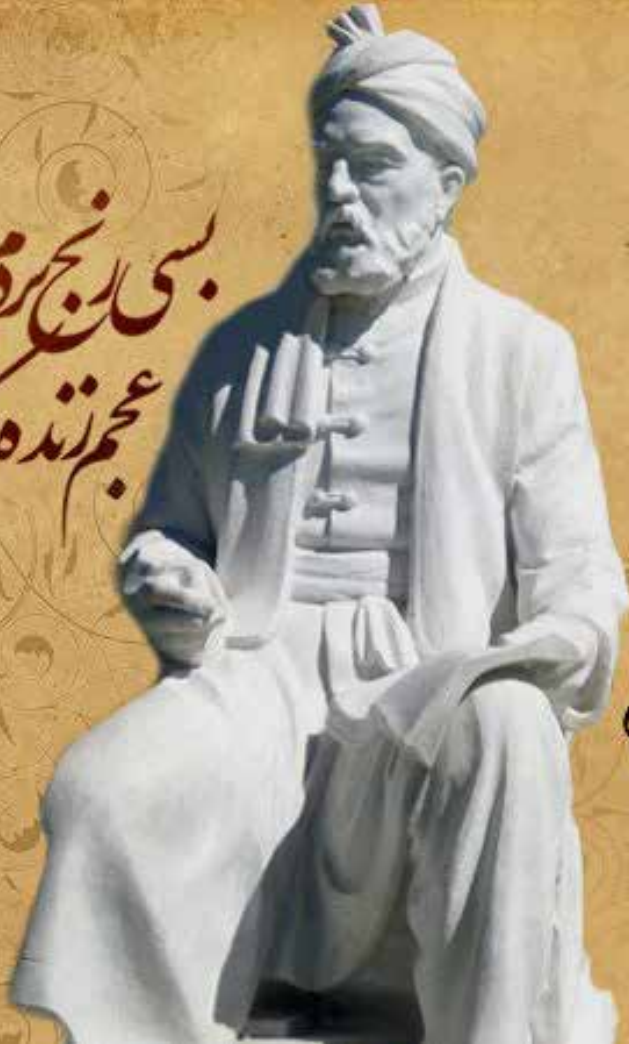
نظر من این بود که در این هیاهو ، جوانهای ما نیاز به آرامشی دارند که با وارد شدن په خونه با دیدن رنگ های کمتر و ساده تر بتونن آرامش خوبی را در منزل داشته باشند. ضمن اینکه از موتیف های ترکمن استفاده شود و طرح های دیگری خصوصا فرشهای ماشینی با طرح های مختلف جایگزین نشود تا همواره در منزل یک ترکمن حتی با سلیقه امروزی بتوانیم فرشهای زیبای ترکمن را ببینیم تا هیچگاه ایده ها و رازهای ترکمن صحرا از میان نرود و در یادها ماندگار بماند.

با سپاس از شما





سی رنج مردم در این سال
عجم زنده کرد بدین باپی



فردوسی

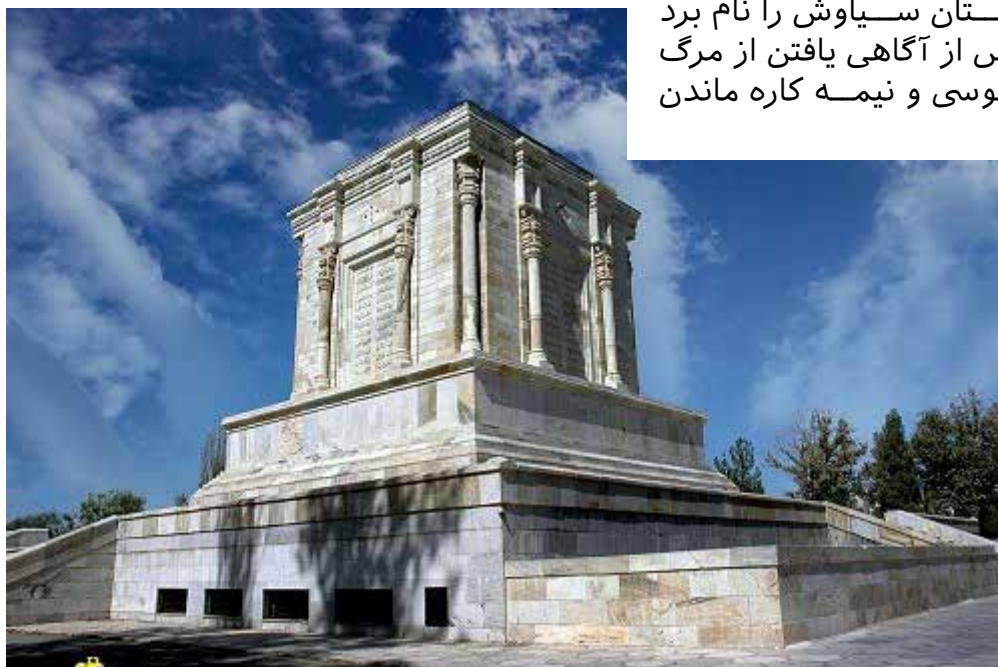
۲۵ اردیبهشت
یادواره فردوسی
بزرگ مرد پارسی کوی ایران زمین

با دولت ساسانی و سپس در عهد اسلام با دولت اسلام همکاری می نمودند و حدوداً تا زمان حمله مغول به تدریج بر اثر فتنه ها و آشوبها از بین رفتند همانگونه که در زندگی نامه فردوسی آمده است، آغاز زندگی او همزمان با گونه ای جنبش نوزایش در میان ایرانیان بود که از سده سوم هجری شروع شده و دنباله و اوج آن به سده چهارم رسید و گرانیگاه آن خراسان و سرزمین های فرارود بود در درازنای همین دو سده تعداد چشمگیری از سرایندگان و نویسندگان پدید آمدند و با آفرینش ادبی خود زبان پارسی دری را که توانسته بود در

حکیم ابوالقاسم فردوسی در سال ۳۲۹ هجری قمری برابر با ۳۱۹ خورشیدی در روستای پاژ در شهرستان توس در خراسان متولد شد. نام او همه جا ابوالقاسم فردوسی شناخته شده است. نام کوچک او را در بن مایه های کهن تر "حسن" نیز نوشته اند. پدرش از دهقانان توس بود که ثروت و موقعیت قابل توجهی داشت. وی از همان زمان که به کسب علم و دانش می پرداخت، به خواندن داستان هم علاقه مند گردید در دوره ی ساسانیان "دهقانان" یک طبقه از مالکان بودند که در ایران زندگی میکردند و یکی از طبقات اجتماعی فاصل میان طبقه کشاورزان و اشراف درجه اول را تشکیل میدادند و صاحب نوعی "اشرافیت ارضی" بودند. زندگانی آنان در کاخهایی که در اراضی خود داشتند سپری میشد. آنها به وسیله ی "روستاییان" از آن اراضی بهره برداری می کردند و در جمع آوری مالیات اراضی

گشتاسب نامه سروده‌ او (که به زمانه زرتشت می پردازد)، به نگاشته شدن شاهنامه ابومنصوری که به نثر بوده و بن مایه دقیق توسی در سرودن گشتاسب نامه بوده است پی برد و به دنبال آن به بخارا، پایتخت سامانیان "تخت شاه جهان" رفت تا آن را پیدا کند و بازمانده آن را به شعر در آورد. فردوسی در این سفر "شاهنامه ابومنصوری" را نیافت اما در بازگشت به توس، امیرک منصور، که از دوستان فردوسی بوده است و "شاهنامه ابومنصوری" به دستور پدرش ابومنصور محمد بن عبدالرزاق یکپارچه و نوشته شده بود، نسخه ای از آن را در اختیار فردوسی نهاد. شاهنامه پرآوازه ترین سروده فردوسی و یکی از بزرگترین نوشته های ادبیات کهن پارسی است. فردوسی سرودن شاهنامه را بر پایه نوشتار ابومنصوری در حدود سال ۳۷۰ هجری قمری شروع کرد و سر انجام آن را در تاریخ ۲۵ سپندارمذ سال ۳۸۴ هجری قمری (برابر با ۳۷۲ خورشیدی) با این بیت هابه انجام رساند

برابر زبان عربی پایدار بماند، توانی روزافزون بخشیدند و به صورت زبان ادبی و فرهنگی در آوردند. فردوسی از همان روزگار کودکی در حال مشاهده کوشش های مردم پیرامونش برای پاسداری ارزش های دیرینه بود و خود نیز در چنان زمانه و زمینه ای پا به پای بالندگی جسمی به فرهیختگی رسید و رهرو سخت گام همان راه شد. کودکی و جوانی فردوسی در زمان سامانیان سپری شده است. شاهان سامانی از دوستداران ادب فارسی بوده اند. آغاز سرودن شاهنامه را بر پایه شاهنامه ابومنصوری از زمان ۳۰ سالگی فردوسی میدانند اما با مطالعه زندگی نامه فردوسی میتوان اینچنین برداشت نمود که او در جوانی نیز به سرایندگی می پرداخته است و چه بسا سرودن داستان های شاهنامه را در همان زمان و بر پایه داستان های کهنی که در داستان های گفتاری مردم جای داشته اند، آغاز نموده است. از میان داستان های شاهنامه که گمان میرود در زمان جوانی وی گفته شده باشد میتوان داستانهایی بیژن و منیژه، رستم و اسفندیار، رستم و سهراب، داستان اکوان دیو و داستان سیاوش را نام برد. فردوسی پس از آگاهی یافتن از مرگ دقیقی توسی و نیمه کاره ماندن



سر آمد کنون قصه یزدگرد به ماه سفندارمذ روز ارد ز هجرت سه صد سال و هشتاد و چار به نام جهان داور کردگار این ویرایش نخستین شاهنامه بود و فردوسی نزدیک به ۲۰ سال دیگر در تکمیل و تهذیب آن کوشید. این سالها هم زمان با برافتادن سامانیان و برآمدن سلطان محمود غزنوی بود. فردوسی در سال ۳۹۴ هجری قمری (برابر با ۳۸۲ خورشیدی) در سن ۶۵ سالگی بر آن شد که شاهنامه را به سلطان محمود اهدا کند، و از این رو دست به کار تدوین ویرایش تازه ای از شاهنامه شد. فردوسی در ویرایش دوم، بخش های مربوط به پادشاهی ساسانیان را تکمیل نمود. پایان ویرایش دوم شاهنامه در سال ۴۰۰ هجری قمری در ۷۱ سالگی فردوسی بوده است چو سال اندر آمد به هفتاد و یک همی زیر بیت اندر آرم فلک ز هجرت شده پنج هشتاد بار به نام جهان داور کردگار فردوسی شاهنامه را در شش یا هفت دفتر به دربار غزنه نزد سلطان محمود فرستاد. به گفته خود فردوسی، سلطان محمود "نکرد اندر این داستانها نگاه" و پاداشی هم برای وی نفرستاد. از این رویداد تا پایان زندگانی، فردوسی قسمت های دیگری نیز به شاهنامه افزود که بیشتر در گله و انتقاد از محمود و تلخ کامی سراینده از اوضاع زمانه بوده است. در روزهای پایانی زندگی فردوسی از سن خود دو بار یاد کرده، و خود را ۸۰ ساله و جای دیگر ۷۶ ساله خوانده است

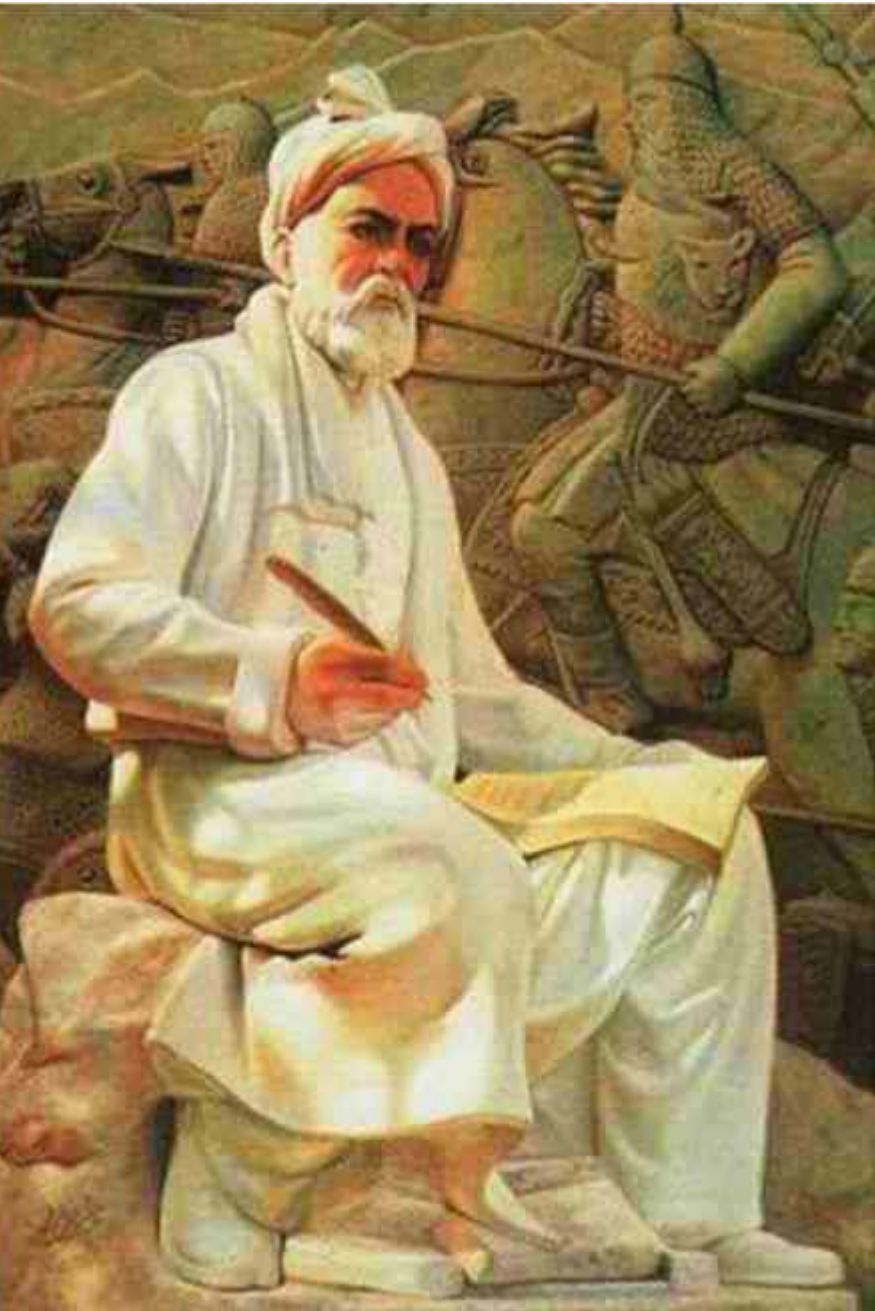


آرامگاه فردوسی در شهر توس
محمد امین ریاحی، با درنگریستن در
زندگینامه فردوسی و گفته های وی از
سن و ناتوانی خود، این گونه نتیجه گیری
کرده است که فردوسی می بایست پس
از سال ۴۰۵ هجری قمری و پیش از سال
۴۱۱ هجری قمری از جهان رفته باشد
پس از مرگ، واعظ طبرستان به دلیل
شیعه بودن ابوالقاسم فردوسی از به
خاکسپاری پیکر فردوسی در گورستان



مسلمانان جلوگیری نمود و به ناچار در باغ خود وی در توس به خاک سپرده شد. آرامگاه فردوسی بین سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳ به دستور رضا شاه بازسازی شد بر اساس ابیاتی در خود شاهنامه و همچنین با مطالعه زندگی نامه فردوسی یک مسلمان شیعه بوده است، ولی برخی از

پژوهشگران اخیراً در مورد مذهب وی و شاخه شیعی آن اظهار تردید کرده اند در ایران روز ۲۵ اردیبهشت به نام روز بزرگداشت فردوسی نامگذاری شده است هر سال در این روز آیین های بزرگداشت فردوسی و شاهنامه در دانشگاهها و نهادهای پژوهشی برگزار میگردد منبع شاهنامه فردوسی نخستین کتاب نثر فارسی که به عنوان یک اثر مستقل عرضه شد، شاهنامه ای منثور بود این کتاب به دلیل آن که به دستور و سرمایه "ابومنصور توسی" فراهم آمد، به "شاهنامه ابومنصوری" شهرت دارد. و تاریخ گذشته ایران به حساب می آید اصل این کتاب از میان رفته و تنها مقدمه آن که حدود پانزده صفحه می شود در بعضی نسخه های خطی شاهنامه موجود است



علاوه بر این شاهنامه، یک شاهنامه منثور دیگر به نام شاهنامه ابوالموید بلخی وجود داشته که گویا قبل از شاهنامه ابومنصوری تألیف یافته است، اما چون به کلی از میان رفته درباره آن نمی توان اظهار نظر کرد. پس از این دوره در قرن چهارم شاعری به نام دقیقی که ظاهراً به دستور نوح بن منصور سامانی مأموریت یافته بود، شاهنامه ی ابومنصوری را که به نثر بود به نظم در آورد دقیقی، هزار بیت بیشتر از این شاهنامه را نسروده بود و هنوز جوان بود که کشته شد (حدود ۳۶۷ یا ۳۶۹ هـ. ق) و بخش عظیمی از داستانهای شاهنامه ناسروده مانده بود فردوسی استاد و هشتمری دقیقی کار ناتمام او را دنبال کرد از این رو می توان شاهنامه دقیقی را منبع اصلی فردوسی در سرودن شاهنامه دانست

شاهنامه، منظومه مفصلی است که حدوداً از ۶۰ هزار بیت تشکیل شده و دارای ۳ دوره اساطیری، پهلوانی، تاریخی است

آشنایی با میکل آنژ ایران



ابوالحسن صدیقی «از بزرگ‌ترین مجسمه‌سازان ایران است که از او به عنوان پدر مجسمه‌سازی ایران و میکل آنژ شرق یاد می‌شود. او در مجموع ۸۳ مجسمه ساخت که مهمترین آن‌ها، مجسمه‌های نادرشاه افشار در مشهد، ابن سینا در همدان، سعدی در شیراز، خیام در پارک لاله و فردوسی در میدان فردوسی تهران است

او مجسمه فردوسی را از جنس سنگ مرمر به ارتفاع سه متر ساخت و کار نصب آن را به فرزندش فریدون صدیقی سپرد. این مجسمه در ۱۷ خردادماه ۱۳۳۸ نصب شد میدان فردوسی تهران که روزگاری یکی از مهم‌ترین میادین پایتخت بود، تا حالا سه مجسمه از این شاعر نامدار را در دل خود جای داده است. اولین مجسمه فردوسی، دهم مهرماه سال ۱۳۲۴، همزمان با جشن مهرگان ایرانیان باستان، در میدان فردوسی نصب شد.

پیشنهاد ساخت این مجسمه از سوی جمعی از پارسیان هند و در ایام مراسم جشن هزارمین سال تولد فردوسی و افتتاح آرامگاه این شاعر نامدار پارسی مطرح و با موافقت مسئولان انجمن آثار ملی، توسط راس بهادر ماترا - مجسمه‌ساز هندی- ساخته شد.

اگرچه ساخت این مجسمه دو متری که حدود ۲/۵ تن وزن دارد، در سال ۱۳۱۹ به پایان رسید، اما به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم، اهدای آن به ایران تا اواخر سال ۱۳۲۳ به تأخیر افتاد. اما بالاخره بهمن ماه این سال کارهای عمرانی‌اش انجام شد و هشت ماه بعد مجسمه وسط میدان قرار گرفت.

تا پیش از سال ۱۳۳۸ که سومین مجسمه میدان فردوسی و ثمره کوشش مرحوم صدیقی در این میدان جای بگیرد، مجسمه هندی به روبه‌روی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منتقل و یک مجسمه دیگر از این شاعر ملی برای مدتی کوتاه در میدان فردوسی نصب شد.



متر است. در قسمت پایین این مجسمه، پیکر کودکی زال (از شخصیت‌های شاهنامه) قرار گرفته است. آن طور که در شاهنامه آمده، زال روی کوه قاف بزرگ شد؛ بنابراین پایه مجسمه به صورت یک تخته سنگ طبیعی که حاکی از داستان زندگی زال است، تهیه شد برای پایه مجسمه، تخته سنگی با ۵۹ تن وزن از کوه الوند واقع در استان همدان جدا و به تهران منتقل شد و بالاخره کار نصب مجسمه فردوسی بر روی این قطعه سنگ نتراشیده انجام گرفت. اوایل دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰، شرایط نامناسب نگهداری مجسمه فردوسی و هراس از فرسایش، صحبت‌هایی مبنی بر انتقال مجسمه و نصب بدل آن را مطرح کرد فریدون صدیقی در سال‌های ۸۴ و ۸۸ دو بار به مرمت مجسمه فردوسی پرداخت

مجسمه دوم ظاهراً به مشهد منتقل و در اختیار اداره میراث فرهنگی این شهر قرار گرفت. ساخت مجسمه سوم در سال ۱۳۳۷ و از سوی انجمن آثار ملی طی قراردادی به صدیقی که در آن زمان در ایتالیا به سر می‌برد سپرده شد و اوایل سال ۱۳۳۸، کار ساختش به پایان رسید. نصب این مجسمه را فرزند ابوالحسن صدیقی، فریدون صدیقی انجام داد. او در کشور اتریش تحصیلات آکادمیک مجسمه‌سازی و مرمت مجسمه را آموخته است. جنس این مجسمه، سنگ مرمر

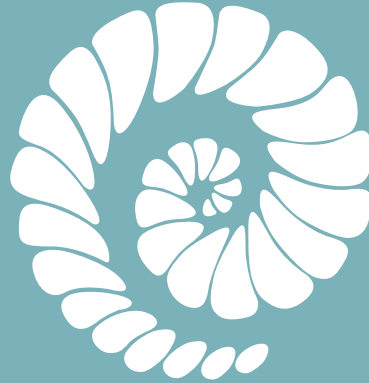
کارارا و ارتفاع آن بیش از سه





داستانهای شاهنامه بر روی فرش فردوسی و داستانهایش آنچنان بر مردم ایران تاثیر گذار بوده است که هنرمندان آن را چه بر روی پارچه و چه بر روی فرش نقاشی می کنند و داستانش را می سرایند و به آن نقال خوانی گویند . بزرگترین فرش در باره داستانهای فردوسی در موزه فرش می باشد که ۲۵ پرده از داستانها را بطور جداگانه توسط استاد موسوی سیرت طراحی و بافته شده است که در موزه فرش ایران نگهداری می شود . و فرش بزرگ دیگر که صحنه ای از پادشاه و ملازمان و مردم را نشان می دهد که توسط استاد رسام عربزاده اجرا شده است و در موزه عرب زاده قرار دارد و چند سال پیش مراسم نقال خوانی داستانهای شاهنامه به زیبایی در مکان موزه توسط چند خانم نقال برگزار شد.





SEPANJ STUDIO

www.sepanjstudio.com

استودیو طراحی و برندسازی سپنج



"سپنج" خدمات یکپارچه‌ی خود را با توجه به نیاز مشتریان، از سازمان‌های کوچک و متوسط تا بزرگ به اثرگذارترین شکل ممکن ارائه می‌دهد که شامل موارد زیر است:

- تدوین استراتژی بازاریابی
- بخش‌بندی بازار و تعیین موقعیت کسب و کار و هدف‌گذاری
- برندسازی و طراحی المان‌های برند
- تدوین و اجرای استراتژی پیام
- طراحی و تدوین محتوا و متن تبلیغاتی
- طراحی کمپین‌های خلاقانه بر اساس استراتژی تعیین شده
- هویت‌سازی یکپارچه برای مشتریان بر اساس استراتژی
- دیجیتال مارکتینگ
- توسعه‌ی برند در شبکه‌های اجتماعی
- طراحی گرافیک تجاری، طراحی سایت و تهیه و تولید مستندهای تبلیغاتی



sepanjstudio

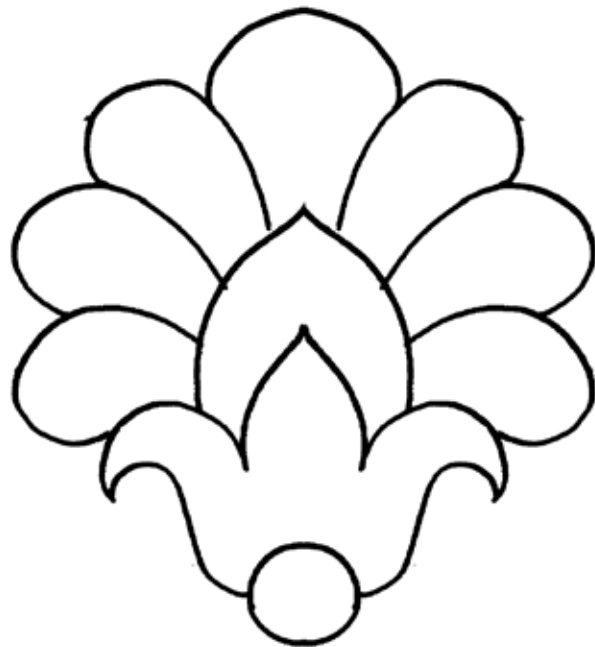
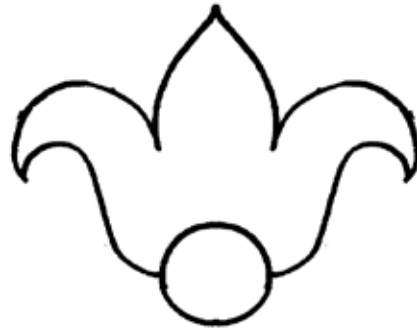


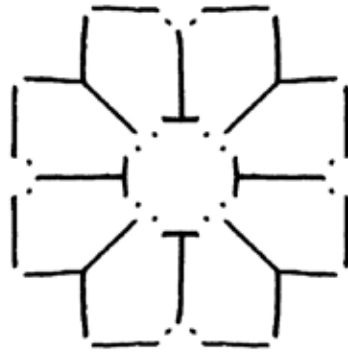
sepanjstudio

۰۹۱۲۶۹۳۵۲۹۱

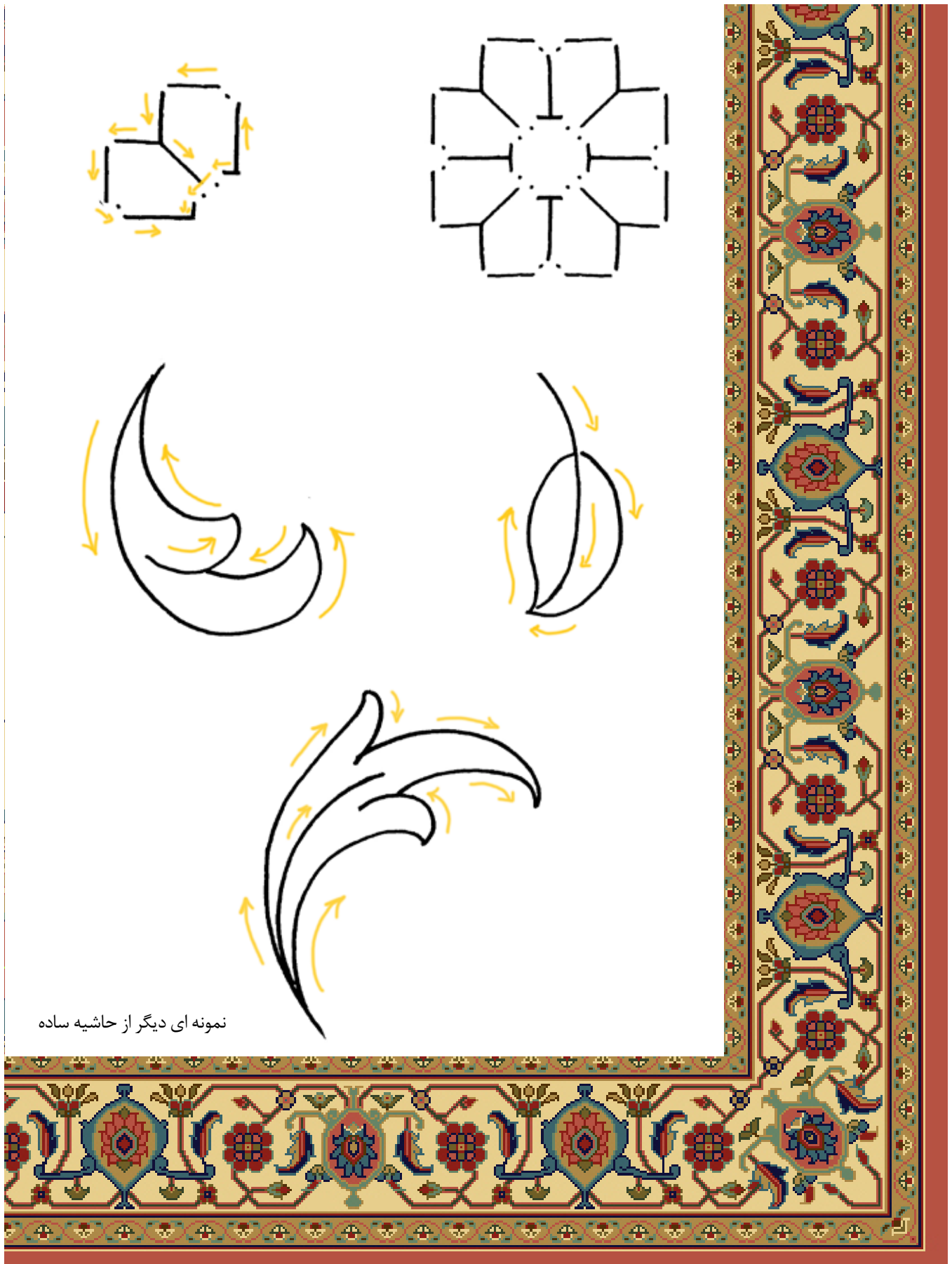
آموزش طراحی فرش

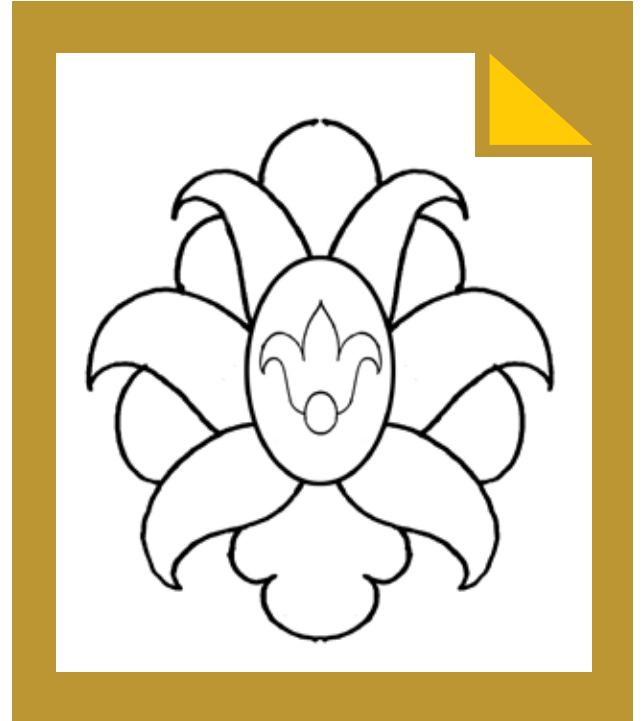
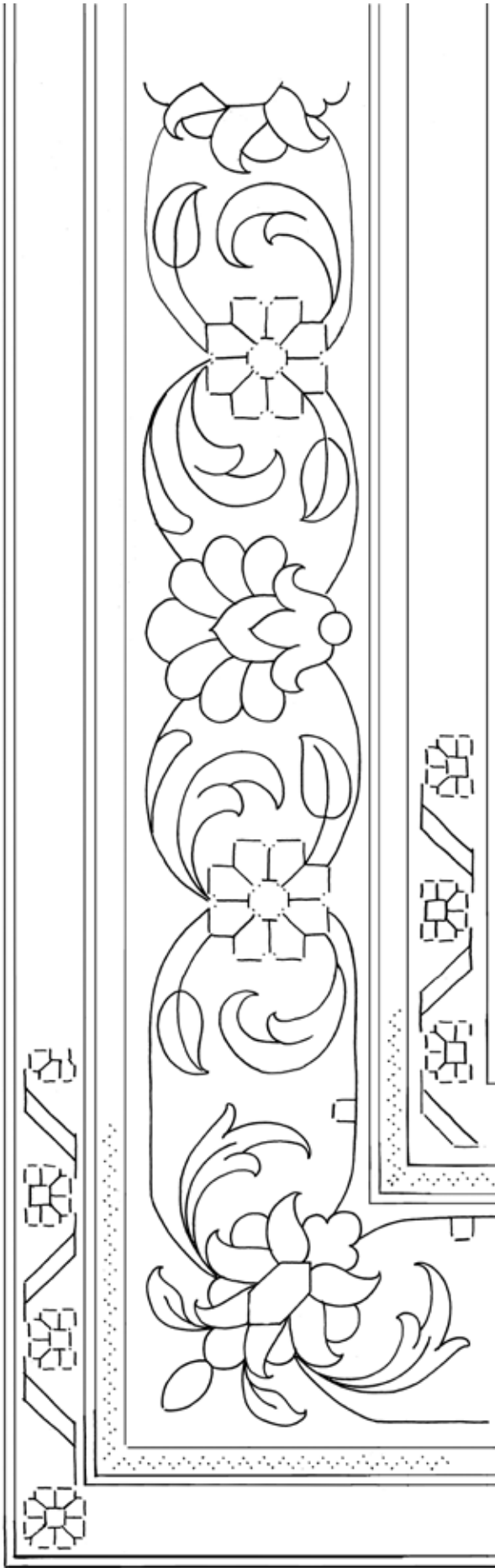
اینروزها بدلیل خانه نشینی و قرنطینه تصمیم گرفتیم تا جایی که امکان دارد کلاسهای دوره های آموزش اولیه طراحی را در اینجا برای علاقمندان شروع نمایم . امید است با کمی تمرین بتوانید شروع به طراحی نمائید. در این آموزش چگونگی رسم را از طریق جهت فلش مشخص نموده ام تا با دنبال کردن آن ، جهت طراحی را متوجه شوید. ما در این شماره یک حاشیه را از مراحل اول تا آخر طراحی می نمائیم

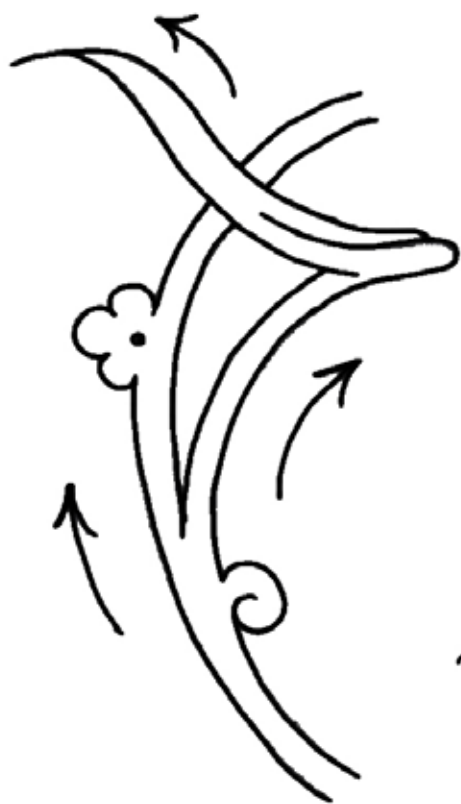




نمونه ای دیگر از حاشیه ساده



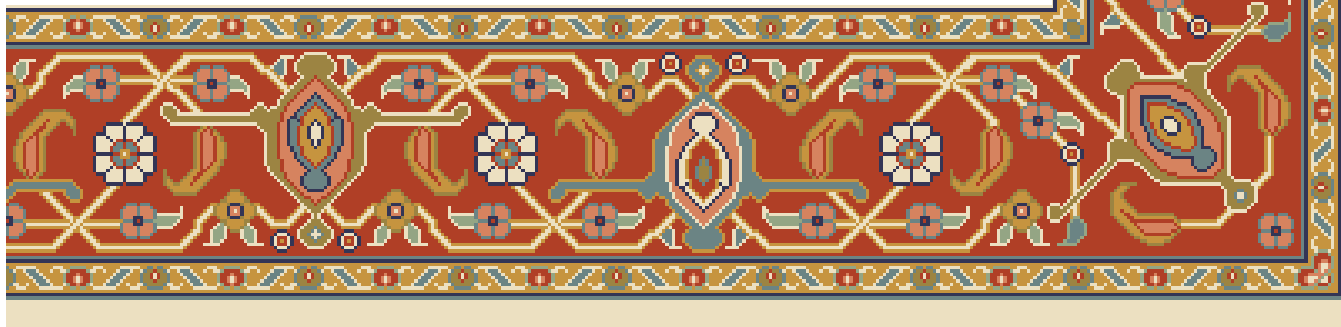




دو نمونه از بند اسپیرال
برای تمرین



نمونه ای دیگر از حاشیه ساده



تبلیغات



"آرتیرانی" هنرِ نفیس ایرانی



Persian Handmade

WWW.ARTIRANI.COM

- شال و روسری ابریشمی نقاشی شده با دست (باتیک)
- کراوات های نقاشی شده
- مانتو های باتیک

ترکمن

گرد آوری : مریم طاهری



این قوم مشهور و بزرگ آسیایی مرکزی به دلیل گذشته آشفته و همیشه در حال کوچ خود هیچگاه تاریخ دقیق ثبت شده ای در مورد قبایل گوناگون خود ندارد و تمام اطلاعات موجود در واقع از افسانه های محلی یا نوشته های اقوام دیگر اقتباس شده است

افسانه ای که در مورد نحوه پیدایش قوم اغوز اجداد ترکمن ها بر سر زبان هاست داستان رنگین و جالبی است که بی ارتباط با نوشته های رشید الدین در قرن چهاردهم نیست بنابراین داستان اغوزخان نوه یافت پسر نوح بوده است و زمانی که حضرت نوح زمین را میان پسرانش تقسیم می کند مشرق زمین به یافت می رسد به همین علت او جد تمام ترک ها و مغول ها به حساب می آید وقتی که اغوز خان به دنیا می آید از خوردن شیر مادر امتناع می کند زیرا





در نظر او مادرش مشرک است به همین دلیل مادرش پس از سه روز کیش خود را تغییر می دهد و اغوز شروع به شیر خوردن می کند. بعدها اغوز دو همسر خود را به دلیل مشرک بودن ترد می کند اما همسر سومش هفت پسر برای بدنیای می آورد. پدر اغوز زمانی که ماجرای ترد دو همسر اول پسرش را می شنود خشمگین می شود و تصمیم می گیرد با او بجنگد. این مبارزه خوی جنگجویانه اغوز را تحریک می کند و او پس از هر سال بی هیچ شکستی به این جنگها ادامه می دهد و داستانهای گوناگونی از مبارزات خود برای مردم جنگجوی ترکمن باقی می گذارد برای نخستین بار مورخین بیزانسی ریشه اقوام اغوز را تشریح کردند و آنان را به قبیله ای مغول به نام "توچویه" نسبت دادند. این قبیله مغول بعدها به دو دسته تقسیم شد که یک گروه از آنها در سین کیانگ امروزی در جنوب قزاقستان و قرقیزاستان مستقر شدند



در قرن دهم نوادگان آنان اغوزها بصورت شبان و کشاورز در مناطق جنوبی و شرقی دریای آرال مستقر شدند در قرن دهم یا یازدهم وقتی که قبایل ترکمن از جلگه های مرتفع و بیابانی در نزدیکی صحرای تکه تکه های ورشته کوه های تین شان به طرف رودخانه آمودریا حرکت کردند و ترکان آسیای مرکزی به آسیای صغیر و خاورمیانه حمله بردند و بر فرهنگشان تاثیر گذارند. نام ترکمن را برای خود انتخاب کردند

در اثر حملات و تاخت و تاز ترکمن ها به نقاط دورتر دو سلسله در ایران بوجود آمد یکی سلسله افشار که دوران سلطه کوتاهی داشت و بنیان گذار آن نادر شاه افشار بود که آخرین فاتح یعنی تا زمان کودتای رضاشاه در آسیا نامیده شد و دیگری سلسله قاجار بود که تا اواخر قرن بر ایران سلطنت کرد. رضاشاه پهلوی در سال ۱۲۹۹ کودتا کرد و نقش مهمی در مدرنیزه کردن این کشور داشت کینه های خانوادگی در میان نه یا ده قبیله ترکمن در داخل ایران در کشمکش های گوناگون با مردم ایلات همسایه در آسیای مرکزی مانند قرقیزها و ازبک ها



نوعی جنگ دایمی در این منطقه بوجود آورد به دنبال این تحولات فرهنگی، قزاقها های گوناگونی پدید آمد و شهرهای مختلف تنها بمنظور مقابله با قبایل غارتگر ساخته شد، بلایای طبیعی و نابودی مناطق حاصل خیز نیز توأم شد و این اتفاقات با تغییرات منفی آب و هوا چنان نابسامانی هایی بر درآمد بازارهای جاده ابریشم که واسطه شرق و غرب بود و از سرزمین های ترکمن ها عبور می کرد گذاشت که این مسیر تجارت جهانی را به جاده بی ارزشی تبدیل کرد و تاثیر عمیقی بر تجارت ترکمن ها برجای گذاشت
مذهب ترکمن های روستا نشین و

شهرنشین که اکثرا سنی بودند و در ناحیه ای از دریای خزر از رودخانه کوهها و صحراهای غره قروم جلگه های شمالی ایران و افغانستان تا شمال هندوکش و امودریا باقی ماندند گروه های معدودی نیز در حال حاضر در نواحیه شمالی تر در نزدیکی دریای ارال زندگی می کنند. تا اواخر قرن نوزدهم بین ایران افغانستان و ترکستان غربی هیچ مرز رسمی و قانونی وجود نداشت و به همین علت قبایل گوناگون آزادانه بنابر الگوهای سنتی خود در این مناطق رفت و آمد می کردند. گروه عظیمی از این قبایل برای فرار از فشار بلشویک ها و کمونیست به مرزهای ایران و افغانستان کوچ کردند و گرچه اغلب ترکمن ها در حال حاضر زندگی شهرنشینی یا روستایی دارد اما هنوز هم گروه هایی از آنان چادر نشین هستند و مهارت آنان در اسب سواری و بازرگانی نشان می دهد که تا حد زیادی شکل سنتی زندگی خود را حفظ کرده است این امر در منسوجات ترکمن ها نیز کاملا به چشم می خورد

قالی های نفیس ترکمن ها در دنیا شهرت فراوانی برای آنان به ارمغان آورده است. تحقیق تاریخچه قبیله ای و اجتماعی و سبک زندگی ترکمن ها نشان می دهد که این شهرت به حق نصیب آنها شده شاید بخاطر وجود بیش تر و استفاده از نگاره ها و نمادهای موجود در بافت آنها است. قالی های پرزدار ترکمن ها و طرح ها منسوجات دیگر قبایل و مناطق طی سالها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در هر حال در میان این کارها تعداد محدودی از گلیم بافت های مردم ترکمن را نیز می توان یافت. علی رقم این حقیقت که ترکمن ها از بازماندگان اغوزها



و قبایلی ترک نژاد ایران هستند هیچ نوع شباهتی مابین ساختار و طرح گلیم های این دو گروه وجود ندارد. گلیم بافتهای ترکمن بزرگ است نگاره و رنگ بندی متنوعی دارد و از نظر ساختار برخلاف بافت های چاک



دار رنگین شمال ایران می باشد. بویژه در ارتباط با قالی های گره دار فعالیت بافندگان را در این میان تقاضای خریداران غربی تحت تاثیر قرار داده است و به همین علت در مورد میزان تولید در موارد استفاده منسوجات گلیم باف مردم ترکمن قبل از این تاثیرات اطلاعات دقیقی در دسترس نیست. طایفه یموت که در ترکستان غربی و ایران زندگی می کنند تنها قبیله ایست که مردمان آن هنوز هم به بافت گلیم و ارساری ادامه می دهند در داخل افغانستان شمالی گروه بزرگی از ترکمن ها هنوز کیف می بافند. کیف های ترکمن ها هنر بافندگی آنان را به نمایش می گذارد. در واقع بیش از دیگر منسوجات چادرها و یراق آلات که به عنوان جزئی از مکمل زندگی چادر نشینی یا شبه چادر نشینی های سنتی ترکمن ها است با اسلوب تخت بافت توسط طوایف گوناگون آنان، بخصوص

قبیله های ترکستان تکه و سالور در غرب افغانستان و ترکستان غربی بافته می شود ازدواج های متعدد ترکمن ها با طوایف

شرقی ایران و اطراف دریای خزر بزرگ و مستطیل شکل و یک تکه است. رنگ متن بین قرمز روناسی تیره و صورتی ملایم تغییر می کند و تمام زمینه با کمک طرح های گلدار قهوه ای پررنگ و آبی فیروزه ای و اشکال کوچک شیری رنگ تزیین شده است طرح های گل دار از مشخصات ثابت و مهم منسوجات ترکمن است و هر یک از قبایل ترکمن گل ها را با اسلوب ویژه خود می بافند این اختلاف در شیوه بافت گلها در قالی های

گونگون ترک مستقر در ازبکستان و کمرنگ شدن هویت قبیله ای آنان باعث از بین رفتن همگونی فرهنگی ترکمن ها در قرن بیستم بویژه در سالهای اخیر شده است ترکمن های یموت

یموت ها در شمال شرقی ایران در امتداد مرکز ترکستان غربی و در نزدیکی دریای خزر زندگی می کنند گروهی از آنان در شمال صحرای قره قروم و حدود صد خانواده نیز در هرات واقع در غرب افغانستان ساکنند گلیم های یموت شمال



پرزدار و کیف های ترکمن ها کاملاً مشهود است و با کمک آن می توان گروه های قبيله ای را از یکدیگر تشخیص داد. این گلها بر روی کیفهایی که بر پشت شترها انداخته می شود و همچنین بر روی قسمت هایی از چادرها قابل مشاهده است. ریشه های گلیم ترکمن معمولاً یکدست گره دار یا شبکه ایست. حاشیه های گلیم ها قرمز رنگ گاهی ساده و پهن است و گاه با نگاره های جالبی تزیین می شود. در قسمت های انتهایی این گلیم ریسمان های اضافه بچشم می خورد که در زمان برگزاری جشن ها و مراسم ویژه از آنها برای وصل کردن گلیم ها به زمین استفاده می شود. یموت های هرات گلیم های مدرن و طرح دار تولید می کنند هرچند که این گروه بواسطه ازدواج های متعدد با ترکمن های (ارساری) ساکن شمال افغانستان تا حدی اصالت خود را از دست داده اند اما با این حال خود را متعلق به طایفه یموت می دانند و گلیم های آنان رنگ قرمز زنده دستباف های ترکمن را حفظ کرده است متأسفانه این گلیم ها جلای چندانی ندارند و از استانداردهای پایینی برخوردار است. نگاره های آنها نگاره های باستانی و نگاره های ستاره ایی قلاب مانندی که تقلیدی است با طرحهای گلدار داخل طرح های لوزی شکل بافته می شود و خیلی متنوع نیستند



ترکمن های کاشغری

کاشغر شهر مهم ترکستان شرقی که در نقطه تلاقی چندین راه تجاری مهم جاده ابریشم قرار دارد ارزش سوق الجیشی تجاری و اجتماعی فراوانی برای تاریخ آسیا بعنوان شهری مستحکم مرکزی داشته است. گلیم های بافت کاشغر بسیار ظریف و نرم و سبک است و بیشتر بصورت روکش به کار می رود. ترکیب بندی این منسوجات شبیه به گلیم ازبک تاتاری مناطق (ساری پول) و (سمنگان) است و تنها با کمک کیفیت پشم و استحکام بافت آنها می توان گلیم های کاشغر را از دستبافت های نواحی فوق متمایز کرد

محرمات افقی با رنگ قرمز خاکی بر روی زمینه ای از پشم عالی شیری رنگ نقش می بندد و پراک های به رنگ سبز خزه ای و زرد ملایم از یکدیگر جدا می شود. گلیم های از این نوع توسط ترکمن های شمال (گوندوز) واقع در شمال شرقی افغانستان نیز بافته می شود





پایان



CARPET PLUS

ماهنامه اینترنتی فرش دستباف

Iranian Visual carpet Magazine